



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

راه و رسم زندگی

در کلام پیامبر اعظم

پندهای پیامبر اکرم به ابوذر غفاری



پیامبر اکرم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

راه و رسم زندگی در کلام پیامبر صلی الله علیه وآله خطاب به ابوذر

نویسنده:

خیرالله سلیم زاده

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	راه و رسم زندگی در کلام پیامبر صلی الله علیه وآله خطاب به اباذر
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	راه و رسم زندگی در کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله
۱۲	مقدمه حدیث
۱۳	۱
۱۳	۲
۱۳	۳
۱۳	۴
۱۴	۵
۱۴	۶
۱۴	۷
۱۴	۸
۱۵	۹
۱۵	۱۰
۱۵	۱۱
۱۵	۱۲
۱۵	۱۳
۱۷	۱۴
۱۷	۱۵
۱۷	۱۶
۱۷	۱۷
۱۸	۱۸
۱۸	۱۹

18	20
18	21
18	22
19	23
19	24
19	25
19	26
20	27
20	28
20	29
20	30
20	31
21	32
21	33
22	34
22	35
22	36
22	37
23	38
23	39
23	40
23	41
24	42
24	43
24	44
24	45

۲۵	۴۶
۲۵	۴۷
۲۵	۴۸
۲۵	۴۹
۲۵	۵۰
۲۶	۵۱
۲۶	۵۲
۲۶	۵۳
۲۸	۵۴
۲۸	۵۵
۲۸	۵۶
۲۸	۵۷
۲۸	۵۸
۲۹	۵۹
۲۹	۶۰
۲۹	۶۱
۲۹	۶۲
۳۰	۶۳
۳۱	۶۴
۳۱	۶۵
۳۱	۶۶
۳۱	۶۷
۳۱	۶۸
۳۲	۶۹
۳۲	۷۰
۳۲	۷۱

३२	-----	७२
३२	-----	७३
३३	-----	७४
३४	-----	७५
३४	-----	७६
३४	-----	७७
३४	-----	७८
३५	-----	७९
३५	-----	८०
३५	-----	८१
३५	-----	८२
३५	-----	८३
३६	-----	८४
३६	-----	८५
३६	-----	८६
३६	-----	८७
३६	-----	८८
३७	-----	८९
३७	-----	९०
३७	-----	९१
३७	-----	९२
३७	-----	९३
३७	-----	९४
३८	-----	९५
३८	-----	९६
३८	-----	९७

۳۸	۹۸
۳۹	۹۹
۳۹	۱۰۰
۳۹	۱۰۱
۴۰	۱۰۲
۴۰	۱۰۳
۴۰	۱۰۴
۴۰	۱۰۵
۴۰	۱۰۶
۴۱	۱۰۷
۴۱	۱۰۸
۴۱	۱۰۹
۴۱	۱۱۰
۴۱	۱۱۱
۴۱	۱۱۲
۴۲	۱۱۳
۴۲	۱۱۴
۴۲	۱۱۵
۴۴	۱۱۶
۴۴	۱۱۷
۴۵	۱۱۸
۴۵	۱۱۹
۴۵	۱۲۰
۴۶	۱۲۱
۴۶	۱۲۲
۴۶	۱۲۳

۴۷	۱۲۴
۴۷	۱۲۵
۴۷	۱۲۶
۴۸	۱۲۷
۴۸	۱۲۸
۴۸	۱۲۹
۴۹	۱۳۰
۴۹	۱۳۱
۴۹	۱۳۲
۴۹	۱۳۳
۵۰	۱۳۴
۵۰	۱۳۵
۵۰	۱۳۶
۵۱	۱۳۷
۵۲	۱۳۸
۵۲	۱۳۹
۵۲	۱۴۰
۵۲	۱۴۱
۵۳	۱۴۲
۵۳	۱۴۳
۵۴	۱۴۴
۵۴	۱۴۵
۵۴	۱۴۶
۵۵	فهرست کتاب های انتشارات مسجد مقدّس جمکران -
۵۵	پی نوشت ها
۵۹	درباره مرکز

راه و رسم زندگی در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به اباذر

مشخصات کتاب

سرشناسه: سلیم زاده، خیرالله، ۱۳۱۵ - عنوان و نام پدیدآور: راه و رسم زندگی در کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم: پنندهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به ابوذر غفاری/ تالیف خیرالله سلیم زاده. مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶. مشخصات ظاهری: ۹۵ص ۵/۱۱ × ۵/۱۶ س م. شابک: ۵۰۰۰ ریال ۸۷۹-۴۶۹-۳۷۹-۳۸۰-۱؛ ۰۰۰۸ ریال: چاپ دوم ۸۷۹-۴۶۹-۳۷۹-۳۸۰-۱: یادداشت: چاپ دوم: ۷۸۳۱. یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع: محمد (ص)، پیامبر اسلام، ۳۵ قبل از هجرت - ۱۱ق -- احادیث موضوع: راه و رسم زندگی -- جنبه های مذهبی رده بندی کنگره: ۸۴۲PB / س۳۸ر۲ ۶۸۳۱ رده بندی دیویی: ۱۶/۷۹۲ شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۳۴۰۳۱

راه و رسم زندگی در کلام پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله

بسم الله الرحمن الرحيم کتابی که پیش روی شما است، سخنان گرانمایه حضرت پیامبر اکرم، خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله خطاب به ابی ذر غفاری رضوان الله تعالی علیه می باشد. وی یکی از اصحاب با وفا و پابرجای آن بزرگوار بوده است - که حکم و مواعظ سودمند و پند و اندرزهای بسیار مفید برای همه مسلمان در آن نهفته است، مجدداً با ترجمه اش چاپ می شود. در این ترجمه از کتاب عین الحیاه مرحوم علامه مجلسی قدس سره، و از ترجمه دانشمند گرامی جناب مستطاب آقای تجلیل تبریزی «زیده عزه» کمک گرفته ام و اصل عربی این حدیث را به جهت صحت متن و مصونیت از اشتباه و غلط با چند کتاب از کتب معتبره علمای سلف و بزرگ شیعه امامیه اثنا عشریه تطبیق و تصحیح نمودم و در موارد اختلاف در تعبیر عبارات اصل حدیث در این چند کتاب، نسخه بدل ها

را مابین دو پرانتز ذکر کرده ام ولی در ترجمه حدیث، جمله ها و کلماتی که ما بین دو پرانتز قرار گرفته است غالباً برای توضیح است.

امید است که این جزوه مورد استفاده عموم مؤمنین و اهل دین و پیروان سیدالمرسلین و ائمه معصومین علیهم السلام واقع گردد و همه از آن بهره های معنوی دنیایی و اخروی بگیرند. ان شاء الله تعالی.

لازم به تذکر است که تجزیه این کلام نورانی که در ضمن ۱۴۷ شماره ارائه گردیده از بعضی نویسندگان است و مستند به اصل حدیث نمی باشد.

العبد خیر الله سلیم زاده

مقدمه حدیث

مرحوم شیخ طوسی در کتاب (امالی) جلد دوم چاپ نجف صفحه ۱۳۸ - ۱۵۲ و مرحوم شیخ طبرسی در کتاب (مکارم الاخلاق) چاپ بیروت صفحه ۴۵۵ - ۴۷۱، باب ۱۲، فصل ۵ و مرحوم ورام بن ابی فراس در کتاب (مجموعه ورام) چاپ ایران قم سال ۱۳۷۵، صفحه ۲۷۳ - ۲۸۴ و مرحوم مجلسی در کتاب (بحارالانوار) چاپ ایران جلد ۷۷، صفحه ۷۴ - ۹۱، باب ۴، حدیث ۶۳ و در کتاب (عین الحیاه) (که همه اش از اول تا آخر شرح همین حدیث ابی ذر است) همه این بزرگان در این کتاب های خود مسنداً و مجموعه ورام مرسللاً از ابوذر غفاری رضوان الله تعالی علیه روایت کرده اند که ابوذر گفت: من داخل شدم در اوائل یک روز در مسجد، پس به جز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام که در کنار آن حضرت بودند، هیچ کس دیگری را در آنجا ندیدم، پس من خلوت مسجد را مغتنم شمردم و عرض کردم: یا رسول الله صلی الله علیه و آله! پدرم و مادرم فدای تو باد، سفارشی به من بفرماید

که خدا مرا به آن سفارش نفع رساند.

پس آن حضرت فرمودند: (مطالبی را که ترجمه ظاهرش چنین است) (تو را سفارش خواهم کرد) و چه بسیار گرامی و پسندیده ای تو در نزد ما ای ابوذر تو از ما اهل بیت می باشی و همانا که من تو را به دستور و پندی (عظیم) سفارش می کنم پس تو آن را (در فکر و عمل خود) حفظ کن (نگهداری نما) که آن جامع (دربدارنده) همه راه های خیر (و خوبی و نجات است) پس اگر تو آن را (در ذهن و در کار خود) حفظ کنی و (بدان عمل نمایی) برایت بهره ای عظیم (از رحمت الهی خیر و دنیا و آخرت) خواهد بود.

۱

يا أَبَاذَرٍّ! أُعْبِدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ، فَإِنْ كُنْتَ لَا تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ.

ای ابوذر! خدا را چنان بندگی کن که گویا او را می بینی، پس اگر تو او را نمی بینی او تو را می بیند.

۲

وَاعْلَمْ يَا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ أَهْلَ بَيْتِي فِي أُمَّتِي كَسَيَفِيهِ نُوحٍ مِنْ رَبِّهَا نَجِيٍّ وَمَنْ رَغِبَ عَنْهَا غَرِقَ، (۱) وَ مِثْلَ بَابِ حِطَّةٍ (۲) فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ أَمِنًا.

بدان ای ابوذر! که خدای عزیز و بزرگ، اهل بیت مرا در میان امت من بمانند کشتی نوح گردانیده است، هر کس در آن سوار شد از هلاکت رست و هر کس از آن روی بگردانید غرق گشت. همچنین مانند درب حطه در میان بنی اسرائیل که اگر کسی از آن وارد می شد از عذاب خدا ایمن می گشت.

۳

يا أَبَاذَرٍّ! احْفَظْ مَا أَوْصِيكَ بِهِ تَكُنْ سَعِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

يا أَبَاذَرٍّ! نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ، الصِّحَّةُ وَالْفِرَاحُ.

ای ابوذر! پندهای مرا نگهداری (و مراعات) کن تا در دو جهان سعادت مند گردی، ای ابوذر! بسیاری از مردم در مورد دو نعمت مغبون هستند (از آن قدردانی و استفاده خوب نمی کنند) تندرستی و فراغت بال.

۴

يا أَبَاذَرٍّ! اعْتَنِمَا خَمْسًا قَبْلَ خَمْسٍ، شَبَابَكَ قَبْلَ هَرَمِكَ، وَ صِحَّتَكَ قَبْلَ سُقْمِكَ وَ غِنَاكَ قَبْلَ فَقْرِكَ وَ فِرَاحَكَ قَبْلَ سُغْلِكَ وَ حَيَاتَكَ قَبْلَ مَوْتِكَ.

ای ابوذر! پیش از آن که پنج چیز به تو روی آورد، پنج چیز را غنیمت شمار (از آن ها استفاده شایسته کن): جوانی را پیش از

پیری، تندرستی را پیش از بیماری، توانگری را پیش از پریشانی، فراغت را پیش از گرفتاری و زندگی را پیش از مرگ.

۵

يَا أَبَاذَرٍّ! إِيَّاكَ وَ التَّسْوِيفَ بِأَمَلِكَ، فَإِنَّكَ بِيَوْمِكَ وَ لَسْتَ بِمَا بَعِيدَهُ، فَإِنْ يَكُنْ غَدًا لَكَ فَكُنْ فِي الْعَدِ كَمَا كُنْتَ فِي الْيَوْمِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ غَدًا لَكَ لَمْ تَنْدِمْ عَلَى مَا فَرَطْتَ فِي الْيَوْمِ.

ای ابوذر! مبادا به درازی (و طول) آرزو، کارهای شایسته را به تأخیر افکنی، زیرا که تو اکنون همین امروز را داری، نه ما بعد آن را، پس اگر فردایی داشتی در آن نیز به مانند امروز باش، و اگر فردایی برایت نبود پشیمانی امروز را نخواهی برد که در آن کوتاهی کرده ای.

يَا أَبَاذَرٍّ! كَمْ مِنْ مُسْتَقْبِلِ يَوْمًا لَا يَسْتَكْمِلُهُ وَ مُنْتَظِرٍ غَدًا لَا يَبْلُغُهُ.

ای ابوذر! چه فراوانند کسانی که صبح را به شام نمی رسانند و چه فراوان کسانی که به انتظار فردا هستند ولی به آن نمی رسند.

۶

يَا أَبَاذَرٍّ! لَوْ نَظَرْتَ إِلَى الْأَجَلِ وَ مَسِيرِهِ لَا بَغَضْتَ الْأَمَلَ وَ غُرُورَهُ.

ای ابوذر! اگر به اجل نگری و ببینی که به سویت می آید هر آینه آرزوها و فریبکاری آن را دشمن خواهی داشت.

۷

يَا أَبَاذَرٍّ! كُنْ كَأَنَّكَ فِي الدُّنْيَا غَرِيبٌ أَوْ كَعَابِرِ سَبِيلٍ وَ عُدَّ نَفْسَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ.

ای ابوذر! در جهان چنان زی که در دیار غربت به سر میبری، یا مانند رهگذری باش و خود را از آن گروهی بشمار که به زیر خاک آرمیده اند.

۸

يَا أَبَاذَرٍّ! إِذَا أَصْبَحْتَ فَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ بِالْمَسَاءِ وَ إِذَا أَمْسَيْتَ فَلَا تُحَدِّثْ نَفْسَكَ بِالصَّبَاحِ، وَ خُذْ مِنْ صِحَّتِكَ قَبْلَ سُقْمِكَ وَ مِنْ حَيَاتِكَ قَبْلَ مَوْتِكَ لِأَنَّكَ لَا تَدْرِي مَا اسْمُكَ غَدًا.

ای ابوذر! هنگامی که صبح کردی به خویشتن نوید شامگاه مده و هنگامی که به شام رسیدی صبح گاه فردا را به خویش بازگویی منما، (هم اکنون) از تندرستی خود پیش از آن که دچار بیماری شوی و از زندگی خویش پیش از آن که مرگ تو را دریابد (برای آخرت و دینت) بهره گیری کن؛ زیرا تو نمی دانی فردا بر تو چه نام نهاده خواهد شد، (زنده یا مرده).

يَا أَبَاذَرٍّ! إِيَّاكَ أَنْ تُدْرِكَكَ الصَّرَعَةُ عِنْدَ الْعَثْرَةِ فَلَا تُقَالَ الْعَثْرَةُ وَلَا تَمَكَّنُ مِنَ الرَّجْعَةِ وَلَا يَحْمِدُكَ مَنْ خَلْفَتْ بِمَا تَرَكْتَ وَلَا يَغْدِرُكَ مَنْ تَقَدَّمَ عَلَيْهِ بِمَا اشْتَغَلْتَ بِهِ.

ای ابوذر! مبادا ناگهان مرگ تو را در حال لغزش و گناه دریابد، پس لغزش و گناه اقاله و جبران نشود و توانایی بازگشت تو را نباشد و آن کس که اندوخته تو برای او مانده تو را سپاسگزاری نکند و آن کس که به سوی او می روی تو را که برای اشتغالات مادی و گرد آوردن مال از ادای وظیفه نسبت به او بازمانده ای معذور ندارد.

يَا أَبَاذَرٍّ! مَا رَأَيْتُ كَالنَّارِ نَامَ هَارِبُهَا وَلَا مِثْلَ الْجَنَّةِ نَامَ طَالِبُهَا.

ای ابوذر! چیزی ندیدم مانند آتش دوزخ که فرار کننده از آن به خواب رفته باشد و نه مانند بهشت که خواهان آن به خواب رفته باشد.

يَا أَبَاذَرٍّ! كُنْ عَلَى عُمْرِكَ أَشْحَ عَلَى دِرْهَمِكَ وَ دِينَارِكَ.

ای ابوذر! بر عمر خود بخیل تر از درهم و دینارت باش. (عمر عزیزت را به گناه و کارهای بیهوده صرف منما).

يَا أَبَاذَرٍّ! هَلْ يَنْتَظِرُ أَحَدُكُمْ إِلَّا غِنَى مُطْعِيًّا أَوْ فَقْرًا مُنْسِيًّا أَوْ مَرَضًا مُفْسِدًا أَوْ هَرَمًا مُقْعِدًا أَوْ مَوْتًا مُجْهِزًا أَوْ الدَّجَالَ، فَإِنَّهُ شَرُّ غَائِبٍ أَوْ السَّاعَةِ تُنْتَظَرُ وَ السَّاعَةُ أَذْهَى وَ أَمْرٌ.

ای ابوذر! آیا هیچ یک از شما جز این انتظار می برد، که ثروت و مالی که به طغیان انجامد به دست آورد و یا فقر و پریشانی که موجب فراموشی خدا گردد و یا بیماری که جان او را تباه سازد یا پیری که او را از کار و فعالیت باز دارد و یا مرگ که شتابان در رسد و یا دجال (فتنه انگیز) که شری پنهان است و یا رسیدن هنگام رستاخیز که انتظارش می رود و آن وقت ترسناک تر و تلخ تر است.

يَا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ شَرَّ النَّاسِ مَنْزِلَهُ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمٌ لَا يَنْتَفِعُ بِعِلْمِهِ وَ مَنْ طَلَبَ عِلْمًا لِيُضِيرَ بِهِ وَجْهَ النَّاسِ إِلَيْهِ لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ. يَا أَبَاذَرٍّ! مَنْ ابْتَغَى الْعِلْمَ لِيُخَدَعَ بِهِ النَّاسَ لَمْ يَجِدْ رِيحَ الْجَنَّةِ.

یَا أَبَاذَرٍّ! إِذَا سُئِلْتَ عَنْ عِلْمٍ لَا تَعْلَمُهُ فَقُلْ لَا أَعْلَمُهُ تَنْجُ مِنْ تَبِعْتِهِ وَ لَا تُفْتِ النَّاسَ بِمَا لَا عِلْمَ لَكَ تَنْجُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

يَا أَبَا ذَرٍّ يَطَّلِعُ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَى قَوْمٍ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَيَقُولُونَ: مَا أَذْخَلَكُمُ النَّارَ؟ وَقَدْ دَخَلْنَا الْجَنَّةَ بِفَضْلِ تَأْدِيبِكُمْ وَتَعْلِيمِكُمْ فَيَقُولُونَ: إِنَّا كُنَّا نَأْمُرُ بِالْخَيْرِ وَلَا نَفْعَلُهُ.

ای ابوذر! همانا بدترین مردم از جهت ارزش و منزلت پیش پروردگار عالم در روز قیامت دانشمندی است که از دانش او بهره برده نمی شود و هر کس طلب کند علم (دین) را که توجه مردم را به سوی خویش جلب کند، بوی بهشت به او نرسد. (ای

ابوذر) هرکس دانش آموزد تا با آن مردم را بفریبد بوی بهشت به او نرسد.

ای ابوذر! هرگاه از تو چیزی پرسیدند که نمی دانی پس (به ندانستن آن اعتراف کن) بگو نمی دانم تا از گرفتاری و عقوبت آن برهی، و به آنچه نمی دانی فتوی مده تا از عذاب خدای در روز رستاخیز رهایی یابی.

ای ابوذر! (روز قیامت) گروهی از اهل بهشت به سوی گروهی از اهل دوزخ سرکشی می کنند، پس می پرسند: به چه علت شما در آتش افتاده اید؟ در حالی که ما به برکت تعلیم و تربیت شما به بهشت رسیده ایم؟ پس در جواب گویند: ما دیگران را به کار خیر و اعمال شایسته دستور می دادیم ولی خود از به کار بستن آن فروگذاری می کردیم (و به آن کارهای خیری که دیگران را امر می کردیم، عمل نمی کردیم).

۱۴

يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّ حُقُوقَ اللَّهِ حَيْلٌ ثَنَاؤُهُ أَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَقُومَ بِهَا الْعِبَادُ، وَإِنَّ نِعْمَهُ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُحْصِيَ بِهَا الْعِبَادُ، وَلَكِنْ أَمْسُوا تَائِبِينَ وَاصْبِحُوا تَائِبِينَ.

ای ابوذر! حقوق خداوند «جل ثنائه» بزرگ تر از آن است که بندگان بتوانند به آن حقوق قیام نمایند و همانا نعمت های او بیشتر از آن است که بندگان به شمارش آن توانا باشند، ولی شما با توبه داخل شامگاه شوید و هر صبح (به سوی او) توبه کنید (به تقصیر خویش اعتراف نمایید).

۱۵

يَا أَبَا ذَرٍّ إِنَّكَ فِي مَمَرِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي أَجَالٍ مَنُقُوصَةٍ وَأَعْمَالٍ مَحْفُوظَةٍ وَالْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً وَمَنْ يَزْرَعْ خَيْرًا يَوْشِكُ أَنْ يَخْصِيَهُ دَ خَيْرًا وَمَنْ يَزْرَعْ شَرًّا يَوْشِكُ أَنْ يَخْصِدَ نَدَامَهُ وَلِكُلِّ زَارِعٍ مَا زَرَعَ.

ای ابوذر! همانا تو در عبور گاه شب و روز قرار گرفته ای، در مدت های کوتاه، و اعمالی که ضبط و نگهداری می شوند، و مرگ ناگهان می آید و هرکس تخم نیکی کاشت به زودی از آن خیر و سعادت درو خواهد کرد و هرکس تخم شر و بدکاری کاشت جز ندامت از آن درو نخواهد نمود و هر برزگر آن درو خواهد کرد که کاشته است.

۱۶

يَا أَبَا ذَرٍّ لَا يَسْبِقُ بَطِيءٌ بِحِطَّةٍ وَلَا يَدْرِكُ حَرِيصٌ مَا لَمْ يَقْدَرْ لَهُ وَمَنْ أُعْطِيَ خَيْرًا فَاللَّهُ أَغْطَاهُ وَمَنْ وُقِيَ شَرًّا فَاللَّهُ وَقَاهُ.

ای ابوذر! بهره کسی را که شتاب نمی کند دیگری نمی تواند ببرد و آزمند و طمعکار به آنچه که برای وی مقدر نشده نمی رسد و هرکس به خیری رسد پس خدا به او عطا فرموده و هرکس از شری نگهداری شده خدا او را نگهداری کرده است.

۱۷

يا أَبَا ذَرٍّ! الْمُتَّقُونَ سَادَةٌ وَ الْفُقَهَاءُ قَادَةٌ وَ مُجَالِسَتَهُمْ زِيَادَةٌ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ تَحْتَ صَيْخَرِهِ يَخَافُ أَنْ تَقَعَ عَلَيْهِ وَ إِنَّ الْكَافِرَ لَيَرَى ذَنْبَهُ كَأَنَّهُ ذُبَابٌ مَرَّ عَلَى أَنْفِهِ.

ای ابوذر! پرهیزکاران بزرگوارانند و فقها پیشوایانند و همنشینی با آنان موجب زیادی (علم و فضیلت است)، انسان با ایمان گناه خود را چنان با اهمیت می نگرد به مانند آن که زیر تخته سنگی قرار گرفته که بیم دارد بر وی فرود آید، ولی انسان کافر و خدانشناس به گناه چنان می نگرد که گویا مگسی بر روی بینی او در گذر است.

۱۸

يا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا جَعَلَ الذُّنُوبَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ مُمَثَّلَةً وَ الْإِثْمَ عَلَيْهِ تَقِيلاً وَ بِيلاً وَ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ شَرًّا أَنْسَأَهُ ذُنُوبَهُ.

ای ابوذر! خدای (تبارک و تعالی) به هر بنده ای اراده خیر و سعادت داشته باشد گناهان را نصب العینش ساخته و نافرمانی و گناه را در نظر او سنگین و دشوار می سازد و هر گاه به بنده ای (در اثر نیات و اعمال بدش) اراده بدی و بدبختی نموده باشد گناهان او را از خاطرش فراموش می سازد.

۱۹

يا أَبَا ذَرٍّ! لَا تَنْظُرْ إِلَى صِغَرِ الْخَطِيئَةِ وَ لَكِنْ انْظُرْ إِلَى مَنْ عَصَيْتَ.

ای ابوذر! به کوچکی گناه ننگر لکن بنگر که چه کسی را نافرمانی کرده ای.

۲۰

يا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ نَفْسَ الْمُؤْمِنِ أَشَدُّ ارْتِكَاضاً مِنَ الْخَطِيئَةِ مِنَ الْعُصْفُورِ حِينَ يَقْدَفُ بِهِ فِي شَرِكِهِ.

ای ابوذر! اضطراب جان و دل انسان با ایمان برای گناه شدیدتر از اضطراب دل گنجشک است هنگام به دام افتادن.

۲۱

يا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ وَافَقَ قَوْلَهُ فِعْلُهُ فَذَلِكَ الَّذِي أَصَابَ حَظَّهُ وَ مَنْ خَالَفَ قَوْلَهُ فِعْلُهُ فَإِنَّمَا يُوَبِّخُ نَفْسَهُ.

ای ابوذر! هر آن کس که کردارش با گفتارش مطابقت کند بهره خود را (از سعادت) دریافت نموده و هر آن کس که کردارش مخالف گفتارش باشد جز این نیست که (هنگام پاداش) خویشتن را سرزنش خواهد کرد

۲۲

يا أَبَا ذَرٍّ! الرَّجُلُ لِيَحْرَمَ رِزْقَهُ بِالذَّنْبِ يَصِيبُهُ.

ای ابوذر! مرد به سبب گناهی که می کند (چه بسا) از روزی خویش (که برایش مقرر شده) محروم می گردد.

۲۳

يَا أَبَا ذَرٍّ! دَعِ مَا لَسْتَ مِنْهُ فِي شَيْءٍ وَلَا تَنْطِقْ فِيمَا لَا يَعْنِيكَ وَ اخْزَنْ لِسَانَكَ كَمَا تَخْزُنُ وَرَقَكَ.

ای ابوذر! هرچه را که در آن تو را بهره نیست و به هیچ وجه به تو مربوط نمی شود ترک کن و به سخنی که فایده به حال تو ندارد لب مگشا و زبان خود را مانند پول خود که در حفظ آن می کوشی نگهداری نما.

۲۴

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ حَيَّلَ ثَنَاؤُهُ لِيَدْخُلَ قَوْمًا أَلَجَنَّهُ فَيُعْطِيهِمْ حَتَّى يَمْلُؤُوا وَفَوْقَهُمْ قَوْمًا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى فَإِذَا نَظَرُوا إِلَيْهِمْ عَرَفُوهُمْ، فَيَقُولُونَ رَبَّنَا إِخْوَانُنَا كُنَّا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا فِيمَ فَضَّلْتَهُمْ عَلَيْنَا، فَيَقَالُ هَيْهَاتَ، هَيْهَاتَ، إِنَّهُمْ كَانُوا يَجُوعُونَ حِينَ تَشْبَعُونَ وَ يَظْمَأُونَ حِينَ تَزُودُونَ وَ يَقُومُونَ حِينَ تَنَامُونَ وَ يَشْخَصُونَ حِينَ تَخْفَضُونَ.

ای ابوذر! خدای (جل ثنائه) گروهی را به بهشت می برد پس چندان به آنان (نعمت) عطا می فرماید که خسته می شوند، و در فوق آنان گروهی دیگری هستند که در پایه های بالاترند، چون به آن ها می نگرند آنان را می شناسند پس می گویند: پروردگارا! اینان همان برادران ما هستند که در دنیا با هم بودیم (زندگی می کردیم) پس چرا آنان را بر ما برتری داده ای؟ در پاسخ گفته می شود: هیهات هیهات، آن گاه که شما سیر بودید آنان گرسنگی می کشیدند، آن گاه که سیراب بودید آنان تشنگی می بردند (روزه داشته) آن گاه که شما خواب بودید آنان ایستاده (به نماز مشغول) بودند، آن گاه که شما به استراحت می پرداختید آنان برای خدا (از جا بلند می شدند) بیرون می شتافتند.

۲۵

يَا أَبَا ذَرٍّ! جَعَلَ اللَّهُ حَيْلَ ثَنَاؤُهُ قُرَّةَ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ، وَ حَبَّبَ إِلَيَّ الصَّلَاةَ كَمَا حَبَّبَ إِلَيَّ الْجَائِعِ الطَّعَامَ وَ إِلَى الظَّمْآنِ الْمَاءَ وَ إِنَّ الْجَائِعَ إِذَا أَكَلَ شَبِعَ وَ إِنَّ الظَّمْآنَ إِذَا شَرِبَ رَوِيَ وَ أَنَا لَا أَشْبَعُ مِنَ الصَّلَاةِ.

ای ابوذر! خدای عزوجل نماز را نور دیده من قرار داده و آن را چنان محبوب من ساخته است که گرسنه، غذا را و تشنه، آب را دوست می دارد. البته گرسنه مقداری از غذا را می خورد سیر می گردد، تشنه نیز قدری که آب می نوشد سیراب می گردد، ولی من از نماز سیر نمی شوم.

۲۶

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَ عِيسَى بْنَ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالرُّهْبَانِيَّةِ وَ يُعْتَبُ بِالْحَنِيفَةِ السَّمْحَةِ وَ حَبَّبَ إِلَيَّ النِّسَاءَ وَ الطَّيِّبَ وَ جَعَلَ فِي الصَّلَاةِ قُرَّةَ عَيْنِي. (۳)

ای ابوذر! خدای متعالی، عیسی علیه السلام را به رهبانیت مبعوث داشته و من به دین پاک و آسان برانگیخته شده ام و

خوشبویی و زندگی با زن را به من محبوب ساخته و نور چشم مرا در نماز قرار داده است.

۲۷

يَا أَبَاذْرًا! أَيَّمَا رَجُلٍ تَطَوَّعَ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلِهِ اثْنَتَى عَشْرَةَ رَكَعَةً سِوَى الْمَكْتُوبَةِ كَانَ لَهُ حَقًّا وَاجِبًا بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ.

ای ابوذر! هر مردی که در شبانه روز فزون تر از نمازهای واجب دوازده رکعت نماز بگذارد، حق ثابت او در برابر آن، خانه ای در بهشت خواهد بود.

(شاید مراد از این دوازده رکعت نافله عشاء با نافله شب با شفع و وتر باشد چون که نافله عشاء که دو رکعت نشسته است که به منزله یک رکعت شمرده می شود).

۲۸

يَا أَبَاذْرًا! إِنَّكَ مَا دُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَإِنَّكَ تَفْرَعُ بِأَبِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ وَ مَنْ يَكْتُمُ قَرْعَ بَابِ الْمَلِكِ يَفْتَحْ لَهُ.

ای ابوذر! تا آن گاه که تو در حال نمازی، به کوبیدن در پادشاه جبار پرداخته ای و هر آن کس که در خانه پادشاه را زیاد بکوبد بالاخره به روی او باز می گردد (یکی از صفات خدای متعال، جبار است که به معنای: بزرگوار، فرمانفرما و مصلح امور نیز آمده است).

۲۹

يَا أَبَاذْرًا! مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَقُومُ مُصَلِّيًا إِلَّا تَنَاءَثَرَ عَلَيْهِ الْبُرُّ مَا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْعَرْشِ وَ وَكَلَّ بِهِ مَلَكٌ ينادِي يَا بَنَ آدَمَ لَوْ تَعَلَّمْ مَالِكَ فِي الصَّلَاةِ وَ مَنْ تُنَاجِي مَا انْفَتَلَتْ.

ای ابوذر! انسان با ایمان هر گاه که به نماز می ایستد رحمت پروردگار عالم تا عرش بر او احاطه کند و فرشته ای بر او گماشته می شود که ندا می کند فرزند آدم اگر می دانستی که در نماز چه نصیب تو می گردد و با چه کسی سخن می گویی هرگز از آن باز نمی ایستادی.

۳۰

يَا أَبَاذْرًا! طُوبَى لَأَصْحَابِ اللَّوِيِّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَحْمِلُونَهَا فَيَسْبِقُونَ النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ، أَلَا هُمْ السَّابِقُونَ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالسَّحَابِ وَ غَيْرِ الْأَسْحَارِ.

ای ابوذر! خوشا به حال آنان که در روز رستاخیز علمدار و پرچمدارند، پرچم را پیشاپیش مردم گرفته و بر آنان در رفتن به بهشت پیشی می گیرند، آنان همان افرادی هستند که سحرگاهان و سایر اوقات به مسجدها پیشی می جویند.

۳۱

يَا أَبَا ذَرٍّ! الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ وَاللِّسَانُ أَكْبَرُ وَالصَّدَقَةُ تَمْحُوا الْخَطِيئَةَ وَاللِّسَانُ أَكْبَرُ وَالصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ وَاللِّسَانُ أَكْبَرُ وَالْجِهَادُ نَبَاهَةٌ وَاللِّسَانُ أَكْبَرُ.

ای ابوذر! نماز ستون دین است، و (آنچه از یاد خدا به) زبان (می آید) بزرگ تر است! صدقه گناهان را می زداید، و (گفتاری که با) زبان (به مردم سود بخشد از صدقه) بزرگ تر است. روزه سپری است در مقابل آتش و (امساک) زبان بزرگ تر است و جهاد شرافت و عزت است و (جهاد با) زبان (مثل امر به معروف و ... از نظر شرافت) بزرگ تر است.

۳۲

يَا أَبَا ذَرٍّ! الدَّرَجَةُ فِي الْجَنَّةِ فَوْقَ الدَّرَجَةِ كَمَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَأَنَّ الْعَبْدَ لَيَرْفَعُ بَصِيرَةً فَيَلْمَعُ لَهُ نُورٌ يَكَادُ يَخْطِفُ بَصِيرَةً فَيَفْزَعُ لِتَذَلُّكَ فَيَقُولُ: مَا هَذَا؟ فَيَقَالُ هَذَا نُورٌ أَحْيَاكَ. فَيَقُولُ: أَحْيَى فَلَانٌ؟ كُنَّا نَعْمَلُ جَمِيعًا فِي الدُّنْيَا وَقَدْ فَضَّلَ عَلَيَّ هَكَذَا، فَيَقَالُ لَهُ: إِنَّهُ كَانَ أَفْضَلَ مِنْكَ عَمَلًا، ثُمَّ يَجْعَلُ فِي قَلْبِهِ الرِّضَا حَتَّى يَرْضَى

ای ابوذر! بلندی درجه در بهشت بر بالای درجه دیگر و فاصله آن دو مانند فاصله ما بین زمین تا آسمان است، انسان بهشتی به بالا می نگردد، پیش دیدگان وی پرتوی از نور چنان برق می زند که نزدیک است آن نور، دیدگان او را نابینا سازد، می پرسد: این چه نوری است؟ پاسخ می گویند: این نور برادر تو فلانی است، می گوید: فلان برادرم؟ ما همگی در دنیا کارهای خدا پسندگانه می نمودیم، چگونه او برتری بر من جسته است این چنین؟ می گویند: او در کردار نیک بر تو برتری داشت، آن گاه رضا و خشنودی در دل او نهاده می شود تا خرسند گردد.

۳۳

يَا أَبَا ذَرٍّ! الدُّنْيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَجَنَّةُ الْكَافِرِ وَمَا أَصْبَحَ فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا حَزِينًا، فَكَيْفَ لَا يَحْزَنُ وَقَدْ أَوْعَدَهُ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ إِنَّهُ وَارِدٌ جَهَنَّمَ وَلَمْ يَعِدْهُ إِنَّهُ صَادِرٌ عَنْهَا، وَ لَيَلْقَيْنَ أَهْرَاضًا وَ مُصِيبَاتٍ وَ أُمُورًا تَغِيظُهُ وَ لَيُظْلَمَنَّ فَلَا يَنْتَصِرُ، يَبْتَغِي ثَوَابًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى فَمَا يَزَالُ فِيهَا حَزِينًا حَتَّى يَفَارِقَهَا، فَإِذَا فَارَقَهَا أَفْضَى إِلَى الرَّاحَةِ وَ الْكِرَامَةِ.

ای ابوذر! دنیا برای ایمان زندان است و برای انسان کافر (بی ایمان) بهشت است، هیچ انسان با ایمان در دنیا شب را جز با اندوه صبح نمی کند، چرا اندوهگین نباشد، با این که

خدایش (جل ثنائه) خبر داده است که انسان در دوزخ فرود خواهد آمد ولی بیرون آمدنش را به او، وعده (حتمی) نداده است. (۴) (و دیگر این که) با بیماری ها و گرفتاری ها و پیشامدها و ناگواری هایی حتماً مواجه می گردد و حتماً ستم می بیند، پس کسی او را یاری نمی کند، (به علت صبر بر مصیبت ها) از خدای متعال طالب ثواب است، و همیشه در این جهان اندوهگین است تا از آن جدا شود و بیرون رود ولی آن گاه که از جهان بیرون شتافت، به سوی راحتی و کرامت (خدای مهربان) سرازیر و وارد می گردد.

۳۴

يَا أَبَاذَرٍّ! مَا عَبْدَ اللَّهِ عَلَى مِثْلِ طُولِ الْحُزْنِ.

ای ابوذر! خدای جهان هیچگاه بمانند درازی اندوه عبادت نشده است (بنده ای که همواره از آتش عذاب خدا ترسان بوده، و برای خدا مدت های طولانی در برابر ناملايمات، صبر ورزیده و برای دوری از مقامات معنوی محزون است، از همه فزون تر خدا را بندگی کرده است).

۳۵

يَا أَبَاذَرٍّ! مَنْ أُوتِيَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَا يَبْكِيهِ لَحَقِيقٌ أَنْ يَكُونَ قَدْ أُوتِيَ عِلْمٌ مَا لَا يَنْفَعُهُ، لَأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ نَعَتَ الْعُلَمَاءِ فَقَالَ: «إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ إِذَا تَنَلَى عَلَيْهِمْ يَحْزُونَ لِلَّذِقَانِ سِجْدًا وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا وَيَحْزُونَ لِلَّذِقَانِ يَكُونُ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا». (۵)

ای ابوذر! هر کس را علمی بدهند که او را نگریناند، سزاوار است گفته شود علمی بدو داده شده که او را ثمر نمی بخشد؛ زیرا خداوند عزوجل در قرآن کریم علما را چنین توصیف فرموده است:

«آنان که پیش از بعثت پیغمبر اسلام صلی الله علیه وآله یا قبل از نزول قرآن به آن ها دانش داده شده هنگامی که قرآن بر آنان خوانده می شود به حالت سجده به رو می افتند و می گویند پاک است پروردگار ما، وعده های او انجام خواهد یافت و آنان به رو می افتند و می گریند و خشوع دلشان بیشتر می گردد.»

۳۶

يَا أَبَاذَرٍّ! مَنِ اسْتَطَاعَ أَنْ يَبْكِيَ فَلْيَبْكِكْ وَ مَنِ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيَشْعِرْ قَلْبَهُ الْحُزْنَ وَ لِيَتَبَاكَ، إِنَّ الْقَلْبَ الْقَاسِيَّ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ وَلَكِنْ لَا يَشْعُرُونَ.

ای ابوذر! هر کس می تواند (از ترس خدای توانا) بگرید پس باید بگرید و هر کس نمی تواند «لا اقل» دل خود را به اندوه آشنا سازد و به صورت گریه وا دارد؛ زیرا دل با قساوت، از خدا دور است ولی آنان درک این معنی نمی کنند.

۳۷

يا أَبَاذَرٍّ! يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَا- أَجْمَعُ عَلَى عَزِيدٍ خَوْفِينَ وَلَا أَجْمَعُ لَهُ أَمْنِينَ فَإِذَا أَمِنِي فِي الدُّنْيَا أَخَفْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَإِذَا خَافَنِي فِي الدُّنْيَا أَمَنْتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی می فرماید: من بر بنده دو ترس را جمع نمی کنم و دو ایمنی را نیز جمع نمی نمایم، اگر او در این جهان از من ایمن بود (و هیچ نترسید) در جهان دیگر او را خواهم ترسانید، ولی اگر در این جهان از من ترسناک بود روز رستاخیز او را ایمن خواهم ساخت.

۳۸

يا أَبَاذَرٍّ! لَوْ أَنَّ رَجُلًا كَانَ لَهُ كَعْمَلِ سَبْعِينَ نَبِيًّا لَا خَتْفَرَهُ وَ خَشِيَ أَنْ لَا يَنْجُوَ مِنْ شَرِّ يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

ای ابوذر! اگر مردی به قدر هفتاد پیامبر اعمال نیک داشته باشد می باید آن را ناچیز شمارد و بترسد از شرّ روز قیامت نجات نیابد.

۳۹

يا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ الْعَبْدَ لَيَعْرُضُ عَلَيْهِ ذُنُوبُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيَقُولُ: أَمَا إِنِّي كُنْتُ مُشْفِقًا فَيَعْفُرُ لَهُ.

ای ابوذر! گناهان بنده (با ایمان) در روز قیامت به او ارائه می شود، پس می گوید: در دنیا من ترسان بودم، در نتیجه گناهانش آمرزیده و بخشیده می گردد.

۴۰

يا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ الْحَسَنَةَ فَيَتَّكِلُ عَلَيْهَا وَيَعْمَلُ الْمُحَقَّرَاتِ حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ وَ هُوَ عَلَيْهِ غَضَبَانُ وَ أَنَّ الرَّجُلَ لَيَعْمَلُ السَّيِّئَةَ فَيَفْرُقُ مِنْهَا فَيَأْتِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

ای ابوذر! مردی کاری نیک انجام می دهد و به اتکال و اعتماد بر آن کار خوب، گناهی کوچک مرتکب می گردد (و در برابر کردار نیک خویش گناه را سهل می انگارد) چنین کسی هنگامی که پیش خدا می رود او بر وی خشمگین است، مردی نیز گناه و کار بد مرتکب می گردد ولی از عقوبت آن هراسان است، چنین کسی در روز قیامت با خاطر آسوده بر خدای عزوجل وارد می شود.

۴۱

يا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ الْعَبْدَ لَيَذْنُبُ الذَّنْبَ فَيَدْخُلُ بِهِ الْجَنَّةَ.

فَقُلْتُ: وَ كَيْفَ ذَلِكَ يَا أَبَايَ أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: يَكُونُ ذَلِكَ الذَّنْبُ نَضَبَ عَيْنَيْهِ تَائِبًا مِنْهُ فَأَرَأَى إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يَدْخُلَ الْجَنَّةَ.

ای ابوذر! بنده خدا گناهی می کند و به سبب آن به بهشت می رود.

پس گفتم: یا رسول الله پدرم و مادرم فدای تو باد چگونه ممکن است؟

فرمود: گناه را نصب العین خود قرار می دهد و همواره از آن توبه و فرار نموده و به خدا پناه می برد تا آن گاه که به بهشت در می آید.

۴۲

يا أَبَاذَرٍّ! الْكَيْسُ مَنْ أَدَبَ نَفْسَهُ وَ عَمِلَ لِمَا بَعْدَ الْمَوْتِ وَ الْعَاجِزُ مَنْ اتَّبَعَ نَفْسَهُ وَ هَوَاهَا وَ تَمَنَّى عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ الْأَمَانِي.

ای ابوذر! انسان زیرک و باکیاست کسی است که به تأدیب نفس خویش پردازد و برای زندگی بعد از مرگ دست به کار شود و انسان ناتوان (که زیرکی ندارد) کسی است که به دنبال نفسش و خواهش های او برود و با آن حال از خدای عزوجل آرزوهایی داشته باشد.

۴۳

يا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ أَوَّلَ شَيْءٍ يَرْفَعُ مِنْ هَذِهِ الْأَمَّةِ الْأَمَانَةُ وَ الْخُشُوعُ حَتَّى لَا يَكَادُ يَرَى خَاشِعًا.

ای ابوذر! نخستین چیزی که از امت من برداشته می شود (صفت) امانت و خشوع است، تا آنجا که نزدیک است فردی با خشوع دیده نشود.

۴۴

يا أَبَاذَرٍّ! وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ الدُّنْيَا كَانَتْ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ جَنَاحَ بَعُوضَةٍ أَوْ ذُبَابٍ مَا سَقَى الْكَافِرَ مِنْهَا شَرْبَةً مِنْ مَاءٍ.

ای ابوذر! سوگند به خدایی که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست اوست! اگر دنیا پیش خدا به قدر پر پشه یا مگسی ارزش داشت به انسان کافر حتی یک شربت آب از آن (دنیا) نمی داد.

۴۵

يا أَبَاذَرٍّ! الدُّنْيَا مَلْعُونَةٌ وَ مَلْعُونٌ مَا فِيهَا إِلَّا مَا ابْتِغَى بِهِ وَجْهَ اللَّهِ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنَ الدُّنْيَا خَلَقَهَا ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا (۶) فَلَمْ يَنْظُرْ إِلَيْهَا وَ لَا يَنْظُرُ إِلَيْهَا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ وَ مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الْإِيمَانِ بِهِ وَ تَرْكِ مَا أَمَرَ بِتَرْكِهِ.

ای ابوذر! دنیا و آنچه در آن است لعنت شده، مگر آنچه به وسیله آن تحصیل رضای الهی گردد (۷) و پیش پروردگار تعالی چیزی مبغوض تر از دنیا نیست، آن را بیافرید سپس از آن اعراض فرمود و دیده رحمت از آن تا قیام قیامت بریرد و به سوی آن نظر نخواهد فرمود و هیچ چیزی در پیش او محبوب تر از ایمان به خدا و دوری جستن از محرّمات و گناهان نیست.

يَا أَبَاذَرٍّ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَوْحَى إِلَيَّ إِلَى أَخِي عَيْسَى يَا عَيْسَى لَا تُحِبَّ الدُّنْيَا فَإِنِّي لَسْتُ أُحِبُّهَا، وَأَحِبُّ الْآخِرَةَ فَإِنَّمَا هِيَ دَارُ الْمَعَادِ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی به برادرم عیسی وحی فرمود: ای عیسی! دنیا را دوست مدار زیرا من آن را دوست ندارم و آخرت را دوست بدار، زیرا که فقط همانجا خانه بازگشت است.

يَا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ جِبْرِئِلَ أَتَانِي بِخَزَائِنِ الدُّنْيَا عَلَى بَعْلِهِ شَهْبَاءَ فَقَالَ لِي: يَا مُحَمَّدُ! هَذِهِ خَزَائِنُ الدُّنْيَا وَ لَا يَنْقُصُكَ مِنْ حِطِّكَ عِنْدَ رَبِّكَ. فَقُلْتُ: حَيْبِي جِبْرِئِلَ لَا حَاجَةَ لِي فِيهَا، إِذَا شِعْتُ شَكَرْتُ رَبِّي وَ إِذَا جُعْتُ سَأَلْتُهُ.

ای ابوذر! همانا جبرئیل گنج های جهان را بر آستری رنگارنگ پیش من آورد پس به من گفت: ای محمد! این ها گنج های دنیا است، (بگیر و بدان) که چیزی از نصیب تو را پیش پروردگارت نخواهد کاست.

پس گفتم: حیب من جبرئیل مرا در آن ها نیازی نیست، من هرگاه سیر شدم خدا را سپاس می گویم و هرگاه گرسنه شدم از او سؤال می کنم.

يَا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا أَرَادَ بِعَبْدٍ خَيْرًا فَفَقَّهَهُ فِي الدِّينِ وَ زَهَّدَهُ فِي الدُّنْيَا وَ بَصَّرَهُ بِعُيُوبِ نَفْسِهِ.

ای ابوذر! خدای عزوجل هرگاه خیر کسی را بخواهد او را در دین فقیه (و دانا) می سازد و در دنیا زاهد می گرداند و او را به عیب های خویش بینا می سازد.

يَا أَبَاذَرٍّ! مَا زَهَّدَ عَبْدٌ فِي الدُّنْيَا إِلَّا أَتَبَتْ (۸) اللَّهُ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِهِ وَ أَنْطَقَ بِهَا لِسَانَهُ وَ بَصَّرَهُ عُيُوبَ الدُّنْيَا وَ دَوَائِهَا وَ أَخْرَجَهُ مِنْهَا سَالِمًا إِلَى دَارِ السَّلَامِ.

ای ابوذر! بنده ای در دنیا زهد نورزید مگر این که خدا حکمت را در دلش رویاند (یا در قلب او جایگزین می کند) و زبانش را به آن گویا ساخته و او را به عیب های دنیا، دردها و دواهای آن بینا و آشنا گردانیده و او را سالم از دنیا به سوی بهشت بیرون می برد.

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِذَا رَأَيْتَ أَحَاكَ قَدْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا فَاسْتَمِعْ مِنْهُ فَإِنَّهُ يَلْقَى إِلَيْكَ الْحِكْمَةَ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَنْ أَزْهَدُ النَّاسِ؟

قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ لَمْ يَنْسِ الْمَقَابِرَ وَالْبَلَى وَتَرَكَ فَضْلَ زِينَةِ الدُّنْيَا وَآثَرَ مَا يَبْقَى عَلَى مَا يَفْنَى وَ لَمْ يَعُدَّ عَدًّا مِنْ أَيَّامِهِ وَ عَدَّ نَفْسَهُ فِي الْمَوْتَى

ای ابوذر! آن گاه که دیدی برادر تو در دنیا زهد می ورزد و به دنیا بی علاقه است به سخنان او گوش ده، زیرا او به تو حکمت فرا می خواند.

گفتم: یا رسول الله! زاهدترین مردم کیست؟

فرمود: کسی که قبور و پوسیدن اجساد را فراموش نکند و زیادی زینت دنیا را ترک کند و آنچه را باقی می ماند (آخرت) بر آنچه فانی و نابود می شود (دنیا) ترجیح دهد و فردا را از عمر خویش نشمرده و خود را در میان مردگان به شمار آورد.

۵۱

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يُوْحِ إِلَيَّ أَنْ أَجْمَعَ الْمَالَ وَلَكِنْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنْ سَبِّحَ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَ كُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ وَ اعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّى يَأْتِيكَ الْيَقِينُ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی به من وحی نفرموده است که مال و ثروت گردآوری کنم، بلکه به من وحی فرمود که (به پاس نعمت های پروردگارت) او را تسبیح و تقدیس نما و (به من وحی فرمود که) از سجده کنندگان باش و تا آن گاه که مرگ (که یقین است) به تو فرا رسد او را عبادت کن.

۵۲

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنِّي أَلْبَسُ الْغُلِيظَ وَ أَجْلِسُ عَلَى الْأَرْضِ وَ أَلْعُقُ أَصَابِعِي وَ أَرْكَبُ الْحِمَارَ بِغَيْرِ سَرْجٍ وَ أَرْدِفُ خَلْفِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي فَلَيْسَ مِنِّي.

ای ابوذر! من لباس خشن می پوشم و بر زمین می نشینم و انگشتان خود را (هنگام خوردن طعام) لیس می زنم و بر الاغ بی زین سوار می شوم و دیگری را در پشت سر خود سوار می کنم، پس هرکس از شیوه رفتار من روی بتابد از من نیست.

۵۳

يَا أَبَا ذَرٍّ! حُبُّ الْمَالِ وَ الشَّرْفِ أَذْهَبَ لِدِينِ الرَّجُلِ مِنْ ذُنُوبِهِ ضَارِبِينَ فِي زَرْبِ الْغَنَمِ فَأَعَارَا فِيهَا حَتَّى أَصْبَحَا فَمَاذَا أَبْقِيَا مِنْهَا.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ الْخَائِفُونَ الْخَاضِعُونَ الْمَتَوَاضِعُونَ الذَّاكِرُونَ اللَّهَ كَثِيرًا أَهْمُ يَسْبِقُونَ النَّاسَ إِلَى الْجَنَّةِ؟

قال: لا، وَلَكِنْ فُقِرَ آءُ الْمُسْلِمِينَ فَأِنَّهُمْ يَتَخَطَّوْنَ رِقَابَ النَّاسِ فَيَقُولُ لَهُمْ خَزَنَةُ الْجَنَّةِ كَمَا أَنْتُمْ حَتَّى تُحَاسِبُوا فَيَقُولُونَ بِمِ نَحَاسِبُ فَوَاللَّهِ مَا مَلَكْنَا فَنَجُورَ وَ نَعْدِلَ وَ لَا أَفِيضَ عَلَيْنَا فَتَقْبِضَ وَ نَبْسُطَ وَ لَكِنَّا عَبَدْنَا رَبَّنَا حَتَّى دَعَانَا فَأَجَبْنَا.

ای ابوذر! دوستی مال و شرف و مقام دنیوی، بر دین مرد، از دو گرگ خونخوار بر گله گوسفند بیشتر صدمه می زند که (شبانہ) بر آن هجوم آورند تا صبحگاه چه از گوسفندان به جای بگذارند؟!

گفتم: یا رسول الله! کسانی که از خدا همی ترسند و خاضع و متواضعند و خدا را زیاد یاد می کنند آیا آنان به دیگران در بهشت سبقت خواهند جست؟

فرمود: نه، بلکه بینوایان مسلمین، قدم بر شانه های مردم نهاده و به سوی بهشت روان خواهند شد، آن گاه خزانه داران بهشت می گویند: به جای خویش باشید تا درباره شما حساب به عمل آید، پاسخ می دهند. بر چه ما را حساب خواهند نمود، به خدا قسم ما حکومتی نداشتیم تا جور

و ستم بکنیم و (یا) عدل و داد به کار بندیم و ثروتی به ما داده نشده بود که ببخشیم و (یا) بخل ورزیم و لکن ما پروردگار خود را عبادت و بندگی کردیم تا دعوت حق را لیک گفتیم.

۵۴

يَا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ الدُّنْيَا مُشْغَلَةٌ لِلْقُلُوبِ وَ الْأَبْدَانِ وَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى سَأَلْنَا عَمَّا نَعْمَنَا فِي حَلَالِهِ فَكَيْفَ بِمَا نَعْمَنَا فِي حَرَامِهِ.

ای ابوذر! دنیا دل و جان و تن مردم را به خود مشغول می دارد و به حقیقت که خداوند تبارک و تعالی ما را از نعمت های حلال که به ما ارزانی شده مورد بازجویی قرار خواهد داد تا چه رسد به نعمت هایی که از حرام به دست آمده است.

۵۵

يَا أَبَاذَرٍّ! إِنِّي قَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ أَنْ يَجْعَلَ رِزْقَ مَنْ يَجِبُنِي الْكِفَافَ وَ أَنْ يَعْطِيَ مَنْ يَبْغُضُنِي كَثْرَةَ الْمَالِ وَ الْوَلَدِ.

ای ابوذر! من از خدا (جل جلاله) خواسته ام که روزی دوستداران مرا به قدر حاجت قرار دهد و مال و فرزند دشمنان مرا زیاد گرداند.

۵۶

يَا أَبَاذَرٍّ! طُوبَى لِلزَّاهِدِينَ فِي الدُّنْيَا الرَّاعِينَ فِي الْآخِرَةِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا أَرْضَ اللَّهِ بَسَاطًا وَ تُرَابَهَا فِرَاشًا وَ مَائَهَا طَبِيبًا وَ اتَّخَذُوا كِتَابَ اللَّهِ شِعَارًا وَ دُعَائَهُ دِثَارًا يَقْرِضُونَ الدُّنْيَا قَرْضًا.

ای ابوذر! خوشا به حال کسانی که در دنیا زهد ورزیده و به آخرت دل بستند، زمین خدا را بساط و خاک آن را فرش و آب آن را عطر خویش قرار داده اند و کتاب خدا را همانند پیراهن زیرین نزدیک به خود ساخته اند و دعاء (و خواندن خدا) را به منزله لباس رویی خود گردانیده اند، (۹) خود را از دنیا بریده و جدا می سازند.

۵۷

يَا أَبَاذَرٍّ! حَزْتُ الْآخِرَةَ الْعَمَلِ الصَّالِحِ وَ حَزْتُ الدُّنْيَا الْمَالِ وَ الْبُنُونَ. (۱۰)

ای ابوذر! کشت و زرع آخرت، کردار شایسته (عمل صالح) است و کشت و زراعت دنیا، مال و فرزندان است.

۵۸

يَا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ رَبِّي أَخْبَرَنِي فَقَالَ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي مَا أَدْرَكَ الْعَابِدُونَ دَرَكَ الْبُكَاءِ عِنْدِي وَ إِنِّي لَأَبْنِي لَهُمْ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى قَصِيرًا لَا يَشْرِكُهُمْ فِيهِ أَحَدٌ.

قال: قلت: يا رسول الله أي المؤمنين أكيس؟

قَالَ: أَكْثَرُهُمْ لِلْمَوْتِ ذِكْرًا وَ أَحْسَنُهُمْ لَهُ إِسْتِعْدَادًا.

ای ابوذر! پروردگار من به من چنین اعلام فرموده است: به عزّت و جلالم سوگند عبادتگاران به قدر آن پاداش که در نزد من برای گریه (از ترس خدا) تعیین شده است دریافت نخواهند داشت و من برای گریه کننده در عالی ترین مراتب بهشت قصری به پا خواهم داشت که دیگری در آن شریک نشود.

گفتم: یا رسول الله! کدام یک از مؤمنان زیرک تر است؟

فرمود: آن کس که از همه بیشتر به یاد مرگ باشد و خود را بهتر از همه به استقبال آن آماده سازد.

۵۹

يَا أَبَاذَرٍّ! إِذَا دَخَلَ النُّورَ الْقَلْبَ انْفَسَحَ الْقَلْبُ وَ اسْتَوْسَعَ.

قُلْتُ: فَمَا عَلَامَةُ ذَلِكَ؟ يَا بَابِي أَنْتَ وَ أُمِّي يَا رَسُولَ اللَّهِ!

قَالَ: الْإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ التَّجَافِي عَنِ دَارِ الْعُرُورِ وَ الْإِسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نُزُولِهِ.

ای ابوذر! هرگاه نور در دل تابید، دل گشاده و فراخ می گردد.

گفتم: یا رسول الله! پدر و مادرم فدای تو باد، نشانه آن چیست؟

فرمود: علامت آن میل به سوی آخرت و کنار رفتن از فریبکاری دنیا و آمادگی به مرگ، پیش از رسیدن آن است.

۶۰

يَا أَبَاذَرٍّ! إِتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تَرَى النَّاسَ أَنَّكَ تَخْشَى اللَّهَ فَيَكْرَهُوكَ وَ قَلْبُكَ فَاجِرٌ.

ای ابوذر! از خدا بترس و مردم تو را نبینند که تو از خدای (بزرگ) می ترسی تا تو را به سبب آن گرامی دارند در صورتی که دل تو به فکر گناه است.

۶۱

يَا أَبَاذَرٍّ! لِيَكُنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ (صَالِحَةٌ) فِي النَّوْمِ وَ الْأَكْلِ.

ای ابوذر! در هر چیز (حتی) در خوردن و خوابیدن، دارای نیت نیک باش.

۶۲

يَا أَبَا ذَرٍّ! لِيُعْظَمَ جَلَالُ اللَّهِ فِي صَدْرِكَ فَلَا تَذْكُرُهُ كَمَا يَذْكُرُهُ الْجَاهِلُ عِنْدَ الْكَلْبِ اللَّهُمَّ اخْزِهِ وَ عِنْدَ الْخَنْزِيرِ اللَّهُمَّ اخْزِهِ.

ای ابوذر! باید جلال (و عظمت) پروردگار عالم در دل تو عظیم و بزرگ باشد و او را سبک یاد نکنی، چنان که مردمان جاهل و نادان هنگامی که سگ و خوک را می بینند می گویند خدایا او را خوار کن.

۶۳

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ لِلَّهِ مَلَائِكَةً قِيَامًا مِنْ حَيْفَتِهِ مَا رَفَعُوا رُؤُسَهُمْ حَتَّى يَنْفُخَ فِي الصُّورِ النَّفْحَةَ الْآخِرَةَ فَيَقُولُونَ جَمِيعًا:

سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ مَا عَبَدْنَاكَ كَمَا يَتَّبِعِي لَكَ أَنْ تُعْبَدَ.

وَلَوْ كَانَ لِرَجُلٍ عَمَلٌ سَيِّعِينَ نَبِيًّا لَأَسْتَقَلَّ عَمَلَهُ مِنْ شِدَّةِ مَا يَرَى يَوْمَئِذٍ وَ لَوْ أَنَّ دَلْوًا صَبَّ مِنْ غَسِيلَيْنِ فِي مَطْلَعِ الشَّمْسِ لَغَلَّتْ مِنْهُ جَمَاجِمٌ مَنْ فِي مَغْرِبِهَا وَ لَوْ زَفَرَتْ جَهَنَّمُ زَفْرَةً لَمْ يَبْقَ مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ إِلَّا خَرَجَ جَائِعًا لِرُكْبَتَيْهِ يَقُولُ: نَفْسِي نَفْسِي حَتَّى يَنْسِيَ إِبْرَاهِيمَ إِسْحَاقَ يَقُولُ يَا رَبِّ أَنَا خَلِيلُكَ إِبْرَاهِيمَ فَلَا تَنْسِنِي.

ای ابوذر! خدا فرشتگانی دارد که از ترس او همواره برپا ایستاده اند، سرهای خود را به زیر انداخته اند تا روز قیامت که در صور دمیده شود، آن گاه همگی می گویند:

منزه و پاکی تو، و سپاس تو راست، ما تو را آن گونه که سزاوار توست بندگی نکردیم.

و در آن روز اگر مردی دارای عمل هفتاد پیامبر باشد، آن را از شدت آنچه در آن روز می بیند کم می شمارد و اگر سطلی از چرک و ریم دوزخ در مشرق زمین بریزند مغز سر کسانی که در مغرب زمینند به جوش می آید و اگر جهنم به خروش آید، هیچ ملک مقرب و پیغمبر مرسلی نمی ماند مگر به زانو در می آید و می گویند: پروردگارا نجاتم

را می خواهم، نجاتم را، حتی ابراهیم علیه السلام اسحاق فرزند خود را از یاد می برد و می گوید پروردگارا من خلیل تو ابراهیم هستم، پس مرا فراموش منما.

۶۴

يَا أَبَاذْرًا! لَوْ أَنَّ امْرَأَةً مِنْ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ أَطْلَعَتْ مِنْ سَمَاءِ الدُّنْيَا فِي لَيْلِهِ ظِلْمَاءٌ لَأَضَاءَتْ لَهَا الْأَرْضُ أَفْضَلَ يَضِيئُهَا الْقَمَرُ لَيْلَةَ الْبَدْرِ وَ لَوْ حِدَ رِيحٌ تَشْرِهَا جَمِيعَ أَهْلِ الْأَرْضِ وَلَوْ أَنَّ ثَوْبًا مِنْ ثِيَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ نُشِرَ الْيَوْمَ فِي الدُّنْيَا لَصَبَقَ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ مَا حَمَلَتْهُ أَبْصَارُهُمْ.

ای ابوذر! اگر زنی از زنان اهل بهشت از آسمان دنیا سر خویش را در میان شب تاری نمایان سازد، زمین از تابش آن بیشتر از تابش ماه شب چهارده روشن گردد و عطری که از (پریشان کردن زلف) او بلند شود به مشام تمامی اهل زمین برسد و اگر یکی از لباس های اهل بهشت، امروز در دنیا گشوده شود هرکس در آن بنگرد از هوش برود و دیدگان مردم تاب دیدن آن را نیاورد.

۶۵

يَا أَبَاذْرًا! إِخْفِضْ صَوْتَكَ عِنْدَ الْجَنَائِزِ وَ عِنْدَ الْقِتَالِ وَ عِنْدَ الْقُرْآنِ.

ای ابوذر! آواز (صدای) خود را نزد جنازه ها و هنگام جنگ (با دشمنان دین) و هنگام تلاوت قرآن آهسته ساز.

۶۶

يَا أَبَاذْرًا! إِذَا تَبِعْتَ جَنَازَةً فَلْيَكُنْ عَمَلُكَ فِيهَا التَّفَكُّرَ وَ الْخُشُوعَ وَ اعْلَمْ أَنَّكَ لِاحِقٌ بِهِ.

ای ابوذر! هنگامی که دنبال جنازه می روی پس باید کار تو در آن حال، تفکر و خشوع باشد و بدان که تو نیز به او ملحق خواهی شد.

۶۷

يَا أَبَاذْرًا! إِعْلَمْ أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ إِذَا فَسِدَ فَالْمِلْحُ دَوَاؤُهُ وَ إِذَا فَسِدَ الْمِلْحُ فَلَيْسَ لَهُ دَوَاءٌ وَ اعْلَمْ أَنَّ فِيكُمْ خُلُقَيْنِ الضَّحْكُ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ وَ الْكَسَلُ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ.

ای ابوذر! بدان که برای جلوگیری از فساد هرچیز، نمک دوی آن است، ولی هرگاه نمک فاسد گردد دوی برای آن نیست، و بدان که در بین شما دو صفت (ناپسند است) یکی خنده کردن بدون تعجب و دیگری کسالت بدون بی خوابی کشیدن (در عبادت خداوند عالم) در آخر شب.

۶۸

يا أَبَاذَرٍّ! رَكَعَتَانِ مُقْتَصِدَتَانِ فِي تَفَكَّرٍ خَيْرٍ مِنْ قِيَامٍ لَيْلِهِ وَالْقَلْبُ سَاهٍ.

ای ابوذر! دو رکعت نماز میانه (غیر طولانی که زیاد سبک هم نباشد) با توجه و تفکر انجام یابد بهتر از یک شب به عبادت ایستادن است در حالی که قلب از اندیشه عبادت غفلت داشته باشد.

۶۹

يا أَبَاذَرٍّ! الْحَقُّ ثَقِيلٌ مُرٌّ وَالْبَاطِلُ خَفِيفٌ حُلْوٌ وَ رَبُّ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ تُورِثُ حُزْنَ طَوِيلًا.

ای ابوذر! حق، سنگین و تلخ است، و باطل سبک و شیرین است و چه بسا هوسرانی یک ساعت (در دنیا) باعث حزن و غم طولانی (در آخرت) می گردد (و چه بسا در دنیا هم).

۷۰

يا أَبَاذَرٍّ! لَا يَفْقَهُ الرَّجُلُ كُلَّ الْفِقْهِ حَتَّى يَرَى النَّاسَ فِي جَنبِ اللَّهِ تَعَالَى أَمْثَالَ الْأَبَاعِرِ ثُمَّ يَرْجِعَ إِلَى نَفْسِهِ فَيَكُونُ هُوَ أَحَقَرَ حَاقِرٍ لَهَا.

ای ابوذر! مرد، فقیه تمام فقیه نمی شود تا مردم را در جنب خدای تعالی به مانند شتران بی ادراک ببیند، سپس به خود نگریسته و خود را کمتر از آنان بباید.

۷۱

يا أَبَاذَرٍّ! لَا تُصِيبُ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَرَى النَّاسَ كُلَّهُمْ حَقَمَى فِي دِينِهِمْ عُقَلَاءَ فِي دُنْيَاهُمْ.

ای ابوذر! تو به حقیقت ایمان نمی رسی تا همه مردم را در دین خود ابله و در دنیای خود عاقل بینی. (۱۱)

۷۲

يا أَبَاذَرٍّ! حَاسِبِ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تُحَاسِبَ فَهُوَ أَهْوَنُ لِحِسَابِكَ عَدَاً وَ زَنْ نَفْسَكَ قَبْلَ أَنْ تُوزَنَ وَ تَجَهِّزْ لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ يَوْمَ تُعْرَضُ لَا تَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْكَ خَافِيَةٌ.

ای ابوذر! تو خود به حساب خودت پیش از آن که تو را به پای محاسبه آرند برس، تا فردا محاسبه بر تو آسان گردد و خویشتن را بسنج پیش از آن که تو را بسنجند و برای عرضه بزرگ به پیشگاه خدا روز رستاخیز آمادگی پیدا کن که هیچ چیز از تو بر خدا پنهان نمی ماند.

۷۳

يا أَبَاذَرٍّ! اسْتَحْيِ مِنَ اللَّهِ فَإِنِّي وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا أزالُ حِينَ أَذْهَبَ إِلَى الْغَائِطِ مُتَّقِنًا بِتُوبِي اسْتَحْيِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ الَّذِينَ مَعِي.

ای ابوذر! از خدا حیا کن، به خدایی که جانم در کف اختیار اوست هر وقت برای تطهیر می روم سر و روی خودم را با لباسم می پوشانم و از آن دو فرشته که با من همراهند حیا می کنم.

۷۴

يَا أَبَا ذَرٍّ! أَتُحِبُّ أَنْ تَدْخُلَ الْجَنَّةَ؟

قُلْتُ: نَعَمْ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي.

قَالَ: فَأَقْصِرْ مِنَ الْأَمَلِ وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ نَصَبَ عَيْنَيْكَ وَ اسْتَحْيِ مِنَ اللَّهِ حَقَّ الْحَيَاءِ.

قَالَ: قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كُلُّنَا نَسْتَحْيِي مِنَ اللَّهِ.

قَالَ: لَيْسَ ذَلِكَ الْحَيَاءُ وَلَكِنَّ الْحَيَاءَ مِنَ اللَّهِ أَنْ لَا تَنْسِيَ الْمَقَابِرَ وَ الْبِلَى وَ تَحْفَظَ الْجُوفَ وَ مَا وَعَى وَ الرَّأْسَ وَ مَا حَوَى وَ مَنْ أَرَادَ كِرَامَةَ الْآخِرَةِ فَلْيَدْعُ زِينَةَ الدُّنْيَا فَإِذَا كُنْتَ كَذَلِكَ أَصَبْتَ وَ لَا يَهَ اللَّهُ.

ای ابوذر! آیا دوست داری که به بهشت در آیی؟

گفتم: آری، پدر و مادرم به فدایت.

فرمود: پس آرزو را کوتاه کن و مرگ را نصب العین خویش گردان و از خدا چنان که لازم است حیا کن.

گفتم: یا رسول الله! همه ما از خدا حیا می کنیم؟

فرمود: حیا از خدا چنان نیست (که به نظر می رسد) لکن حیا از خدا آن است که گورها و پوسیدن در آن را فراموش نکنی و جوف (یعنی شکم و عورت) و هرچه در آن است و سر و آنچه در آن است (یعنی اعضاء داخلی و چشم و گوش و زبان را) کنترل کنی (از حرام و گناه نگه داری)، هرکس کرامت و بزرگی آخرت را بخواهد باید زینت دنیا را ترک نماید، پس آن گاه که چنین باشی (یا بشوی) به مقام دوستی

۷۵

يَا أَبَاذْرًا يَكْفِي مِنَ الدُّعَاءِ مَعَ الْبِرِّ مَا يَكْفِي الطَّعَامَ مِنَ الْمِلْحِ.

ای ابوذر! کافی است از دعا با کردارهای شایسته، آن مقدار که از نمک برای طعام کافی است.

۷۶

يَا أَبَاذْرًا مِثْلُ الَّذِي يَدْعُو بِغَيْرِ عَمَلٍ كَمِثْلِ الَّذِي يَزِمِي بِغَيْرِ وَتْرٍ.

ای ابوذر! مثل کسی که بدون عمل (شایسته) دعا می کند، مانند کسی است که بدون زه کمان را برای تیراندازی می کشد.

۷۷

يَا أَبَاذْرًا إِنَّ اللَّهَ يَصْلِحُ بِصَلَاحِ الْعَبْدِ وُلْدَهُ وَوَلَدَ وُلْدِهِ وَيَحْفَظُهُ فِي دَوِيرَتِهِ وَالدُّورَ حَوْلَهُ مَا دَامَ فِيهِمْ.

ای ابوذر! خداوند به وسیله صالح بودن شخصی اصلاح می کند فرزندان و فرزندان فرزندان او را و حرمت او را درباره خانه و خانه های مجاورش مادامی که در میان آنان است نگهداری می کند.

۷۸

يَا أَبَاذْرًا إِنَّ رَبَّكَ عَزَّوَجَلَّ يباهي الملائكة بثلاثه نفر؛ رَجُلٌ فِي أَرْضٍ قَفَرٍ فَيُؤْذِنُ ثُمَّ يَقِيمُ ثُمَّ يَصَلِّي، فَيَقُولُ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ أَنْظَرُوا إِلَى عَبْدِي يَصَلِّي وَلَا يراه أَحَدٌ غَيْرِي فَيَنْزِلُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ يَصَلُّونَ وَرَأَاهُ وَ يَسْتَتَفِرُّونَ لَهُ إِلَى الْغَدِ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ رَجُلٌ قَامَ مِنَ اللَّيْلِ فَصَلَّى وَحْدَهُ فَسَجَدَ وَ نَامَ وَ هُوَ سَاجِدٌ، فَيَقُولُ تَعَالَى أَنْظَرُوا إِلَى عَبْدِي رُوحُهُ عِنْدِي وَ جَسَدُهُ سَاجِدٌ وَ رَجُلٌ فِي زَحْفٍ يَفِرُّ أَصْحَابُهُ وَ يَثْبُتُ هُوَ يَقَاتِلُ حَتَّى يَقْتَلَ.

ای ابوذر! پروردگار عزیز و جلیل تو با سه شخص بر فرشتگان مباهات می کند:

۱ - مردی که در میان بیابان اذان و بعد اقامه بگوید و بعد نماز به پا دارد. پس پروردگارت به فرشتگان می فرماید: به بنده ام بنگرید، نماز می خواند در حالی که کسی غیر از من او را نمی بیند. آن گاه هفتاد هزار ملک نازل می گردند و دنبال او نماز می گزارند و تا فردای آن روز برای او (از خدا) آمرزش می خواهند.

۲ - مردی که پاسی از شب از جا بلند شود و به تنهایی نماز بخواند پس سجده کند و در حال سجده به خواب رود، خدای تعالی می فرماید: بنگرید به بنده من که روح او پیش من و تنش در سجده است.

۳ - مردی که در میدان جهاد باشد، همراهانش

فرار کنند و او ثابت قدم به جهاد پردازد تا کشته شود.

۷۹

يَا أَبَاذَرٍّ! مَا مِنْ رَجُلٍ يَجْعَلُ جَبْهَتَهُ فِي بُعْعِهِ مِنْ بَقَاعِ الْأَرْضِ إِلَّا شَهِدَتْ لَهُ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمَا مِنْ مَنْزِلٍ يَنْزِلُهُ قَوْمٌ إِلَّا وَاصْبَحَ ذَلِكَ الْمَنْزِلُ يَصْلِي عَلَيْهِمْ أَوْ يَلْعَنُهُمْ.

ای ابوذر! هیچ مردی پیشانی خود را به نقطه ای از نقاط زمین نمی گذارد مگر این که آن نقطه زمین در روز قیامت بر آن (سجده به نفع او) شهادت دهد و منزلی نیست که گروهی در آن فرود آیند مگر سحرگاهان همان منزل بر آنان صلوات می فرستد یا لعنشان می کند.

۸۰

يَا أَبَاذَرٍّ! مَا مِنْ صَبَاحٍ وَلَا رَوَاحٍ إِلَّا وَبِقَاعِ الْأَرْضِ يَنَادِي بَعْضُهَا بَعْضًا: يَا جَارَهُ هَلْ مَرَّ بِكَ ذَاكِرُ اللَّهِ تَعَالَى أَوْ عَبِيدٌ وَضَعَ جَبْهَتَهُ عَلَيْكَ سَاجِدًا لِلَّهِ؟ فَمِنْ قَائِلِهِ لَا وَمِنْ قَائِلِهِ نَعَمْ، فَإِذَا قَالَتْ نَعَمْ اهْتَرَّتْ وَابْتَهَجَتْ وَ تَرَى أَنَّ لَهَا الْفَضْلَ عَلَى جَارَتِهَا.

ای ابوذر! هیچ صبح و شام نیست مگر نقاط زمین همدیگر را ندا می کنند: ای همسایه من آیا بر تو گذشت کسی که ذکر و یاد خدای متعال را نماید، یا بنده ای که پیشانی خویش برای سجده برای خدا بر تو نهد؟ برخی گویند آری و برخی گویند نه، هر کدام که آری بگویند بر خود می بالد و شاد می گردد و خود را بر دیگری برتر می بیند.

۸۱

يَا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لَمَّا خَلَقَ الْأَرْضَ وَ خَلَقَ مَا فِيهَا مِنَ الشَّجَرِ لَمْ تَكُنْ فِي الْأَرْضِ شَجْرَةً يَأْتِيهَا بَنُو آدَمَ إِلَّا أَصَابُوا مِنْهَا مَنَفَعَةً فَلَمْ تَزَلِ الْأَرْضُ وَالشَّجَرُ كَذَلِكَ حَتَّى تَكَلَّمَ فَجَرَهُ بَيْنِي آدَمَ بِالْكَلِمَةِ الْعَظِيمَةِ قَوْلِهِمْ: «اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا» فَلَمَّا قَالُوا إِقْشَعَرَّتِ الْأَرْضُ وَ ذَهَبَتْ مَنَفَعَةُ الْأَشْجَارِ.

ای ابوذر! آن گاه که خدا - جل ثنائه - زمین و درختانی که در آن است را بیافرید به هر درختی که فرزندان آدم می رسیدند منتفع می گشتند و زمین و درختان همین گونه بودند، تا آن گاه که گناهکاران فرزندان آدم به آن کلمه (نادرست) بزرگ تکلم کردند و به خدا نسبت پدر و فرزند دادند چون آن سخن بگفتند زمین بر خود بلرزید و نفع درختان از میان رفت.

۸۲

يَا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ الْأَرْضَ لَتَبْكِي عَلَى الْمُؤْمِنِ إِذَا مَاتَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا.

ای ابوذر! همانا که زمین، بر مؤمن تا چهل روز بعد از موت او می گرید.

۸۳

يَا أَبَاذَرٍّ! إِذَا كَانَ الْعَبْدُ فِي أَرْضٍ قَفَرٍ فَتَوَضَّأَ أَوْ تَيَمَّمَ ثُمَّ أَدَّنَ وَ أَقَامَ وَ صَلَّى أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الْمَلَائِكَةَ فَصَفَّوْا خَلْفَهُ صَفًّا لَا يَرَى طَرْفَاهُ يَزْكُوعُونَ بِرُكُوعِهِ وَ يَسْجُدُونَ بِسُجُودِهِ وَ يُؤْمِنُونَ عَلَى دُعَائِهِ.

ای ابوذر! هر گاه بنده ای در بیابانی تنها باشد، پس وضو بسازد و یا تیمم کند (اگر آب نباشد) سپس اذان و اقامه بگوید و نماز بخواند، خدای عزیز و جلیل فرشتگان را امر کند پشت سر او صفی تشکیل دهند که دو طرف آن دیده نمی شود و به رکوع او رکوع و به سجودش سجده نمایند و به دعای او آمین گویند.

۸۴

يَا أَبَاذَرٍّ! مَنْ أَقَامَ وَ لَمْ يُؤدِّنْ لَمْ يَصِلْ مَعَهُ إِلَّا مَلَكَاهُ اللَّذَانِ مَعَهُ.

ای ابوذر! هر کس برای نماز، اقامه بگوید و اذان نگوید، با او جز آن دو ملک که با وی هستند نماز نمی خوانند.

۸۵

يَا أَبَاذَرٍّ! مَا مِنْ شَابٍ يَدْعُ لِلَّهِ الدُّنْيَا وَ لَهْوَهَا وَ أَهْرَمَ شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ صَدِيقًا.

ای ابوذر! هر جوانی که برای خدا، دنیا و لهو آن را ترک نماید و جوانی خود را در اطاعت خدا به پیری رساند، خدا هم به او اجر و ثواب هفتاد و دو صدیق عطا فرماید.

۸۶

يَا أَبَاذَرٍّ! الذَّاكِرُ فِي الْغَافِلِينَ كَالْمُقَاتِلِ فِي الْفَارِسِينَ.

ای ابوذر! کسی که در میان غافلان خدا را یاد کند مانند کسی می باشد که در میان فرارکنندگان، جهاد کند.

۸۷

يَا أَبَاذَرٍّ! الْجَلِيسُ الصَّالِحِ خَيْرٌ مِنَ الْوَحِيدِ وَ الْوَحِيدُ خَيْرٌ مِنَ جَلِيسِ السَّوِّءِ وَ اِمْلَاءُ الْخَيْرِ خَيْرٌ مِنَ الشُّكُوتِ وَ الشُّكُوتُ خَيْرٌ مِنَ اِمْلَاءِ الشَّرِّ.

ای ابوذر! همنشین نیکو بهتر از تنهایی است و تنهایی بهتر از همنشین بد است و بیان خیر بهتر از سکوت و سکوت بهتر از بیان و گفتار شر است.

۸۸

يَا أَبَاذَرٍّ! لَا تُصَاحِبْ إِلَّا مُؤْمِنًا وَ لَا يَأْكُلْ طَعَامَكَ إِلَّا تَقَى وَ لَا تَأْكُلْ طَعَامَ الْفَاسِقِينَ. يَا أَبَاذَرٍّ! أَطْعِمْ طَعَامَكَ مَنْ تُحِبُّهُ فِي اللَّهِ وَ كُلْ طَعَامَ مَنْ يَحِبُّكَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

ای ابوذر! همنشینی مکن جز با افراد با ایمان و طعام تو را جز شخص پرهیزکار نخورد، تو نیز طعام افراد فاسق را نخور.

ای ابوذر! به کسی طعام خود را بخوران که در راه خدا او را دوست می داری، تو نیز طعام کسی را بخور که تو را در راه خدای عزوجل دوست می دارد.

۸۹

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَ لِسَانِ كُلِّ قَائِلٍ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ إِمْرُءٌ وَ لِيَعْلَمْ مَا يَقُولُ.

ای ابوذر! خداوند عزوجل نزد زبان هر گوینده ای است، پس باید سخن گو از خدا بترسد و باید بداند چه می گوید.

۹۰

يَا أَبَا ذَرٍّ! أُتْرِكَ فُضُولَ الْكَلَامِ وَ حَسْبُكَ مِنَ الْكَلَامِ مَا تَبْلُغُ بِهِ حَاجَتَكَ.

ای ابوذر! از گفتن سخنان زائد و لغو خودداری کن، تو را از سخن همان بس که رفع احتیاجت را بنماید.

۹۱

يَا أَبَا ذَرٍّ! كَفَى بِالْمَرْءِ كَذْبًا أَنْ يَحْدِثَ بِكُلِّ مَا يَسْمَعُ.

ای ابوذر! در دروغگو بودن کافی است که شخص هر چه می شنود نقل نماید.

۹۲

يَا أَبَا ذَرٍّ! مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَقُّ بِطُولِ السِّجْنِ مِنَ اللِّسَانِ.

ای ابوذر! برای زندان طولانی هیچ چیز سزاوارتر از زبان نیست.

۹۳

يَا أَبَا ذَرٍّ! مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ تَعَالَى إِكْرَامُ ذِي الشَّيْبَةِ الْمُسْلِمِ وَ إِكْرَامُ الْقُرْآنِ الْعَامِلِينَ وَ إِكْرَامُ السُّلْطَانِ الْمُقْسِطِ.

ای ابوذر! از (مصادیق) بزرگداشت و تعظیم خدای تبارک و تعالی: احترام به پیرمرد ریش سفید مسلمان و احترام به حاملان قرآن که بر طبق دستورات آن رفتار می نمایند و احترام به سلطان دادگر است.

۹۴

يَا أَبَا ذَرٍّ! مَا عَمِلَ مَنْ لَمْ يَحْفَظْ لِسَانَهُ، يَا أَبَا ذَرٍّ لَا تَكُنْ عَيَابًا وَ لَا مَدَّاحًا وَ لَا طَعَانًا وَ لَا مُمَارِيًا.

ای ابوذر! کسی که زبانش را (از بدی) نگهداری نکند، عمل (خیری و خوبی) برای او نیست. ای ابوذر! عیب جو و ثناخوان و طعنه زن و ستیزه جو مباش.

۹۵

يَا أَبَا ذَرٍّ! لَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَزْدَادُ مِنَ اللَّهِ بُعْدًا مَا سَاءَ خُلُقُهُ.

ای ابوذر! مادامی که بنده ای سوء خلق دارد (بداخلاقی می کند) از خدا دورتر می شود.

۹۶

يَا أَبَا ذَرٍّ! الْكَلِمَةُ الطَّيِّبَةُ صَدَقَةٌ وَ كُلُّ خُطْوَةٍ تَخْطُوهَا إِلَى الصَّلَاةِ صَدَقَةٌ.

ای ابوذر! سخن پاک (از گناه و بدی) صدقه است و هر قدم که به سوی نماز (جماعت و مسجد) بر می داری صدقه است (برای خداست و ثواب صدقه دارد).

۹۷

يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ أَجَابَ دَاعِيَ اللَّهِ وَ أَحْسَنَ عِمَارَةَ مَسَاجِدِ اللَّهِ كَانَ ثَوَابُهُ مِنَ اللَّهِ، الْجَنَّةَ.

فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ نَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ؟

قال: لا - تُزْفَعُ فِيهَا الْمَاصُوتُ وَ لَا يَخَاضُ فِيهَا بِالْبَاطِلِ وَ لَا يَشْتَرَى فِيهَا وَ لَا يَبَايِعُ وَ اتْرَكَ اللَّغْوَ مَا دُمْتَ فِيهَا فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَا تَلُومَنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا نَفْسَكَ.

ای ابوذر! هر کس دعوت کننده به سوی خدا (کسی که اذان و یا اقامه می گوید) را لبیک گوید و دعوتش را اجابت کند و آباد ساختن مسجدهای خدا را به نیکی انجام دهد پاداش او از ناحیه خدا بهشت است.

گفتم: یا رسول الله! پدر و مادرم فدای تو باد چگونه مسجدهای خدا را آباد سازیم؟

فرمود: (آبادانی مسجد به آن است که) صداها (به گفت و گو) در آن ها بلند نشود و در آن ها از کارهای باطل و از بیهوده کاری خودداری شود و خرید و فروش در آنجا انجام نگیرد و از لغو، تا در مسجد هستی بپرهیز و إلما در روز رستاخیز جز خودت را سرزنش منما.

۹۸

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ تُصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَ تُكْتَبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ تُمْحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی تا تو در مسجد هستی به تو به شماره نفس هایت، درجه در بهشت عطا خواهد فرمود و فرشتگان بر تو صلوات می فرستند و به هر نفس تو در مسجد ده حسنه برایت نوشته می شود و ده سیئه از تو محو می گردد.

۹۹

يَا أَبَا ذَرٍّ! اتَّعَلَّمْ فِي أَيِّ شَيْءٍ أَنْزَلْتُ هَذِهِ الْآيَةَ: اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابُطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؟ (۱۲)
قُلْتُ: لا، فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي.

قال: فِي إِنْتِظَارِ الصَّلَاةِ خَلْفَ الصَّلَاةِ.

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِسْبَاغُ الوُضُوءِ فِي الْمَكَارِهِ مِنَ الْكُفَّارَاتِ وَ كَثْرَةُ الْإِخْتِلَافِ إِلَى الْمَسَاجِدِ فَذَلِكَ الرِّبَاطُ.

ای ابوذر! آیا می دانی که این آیه «اصبروا و صابروا و رابطوا» در چه مورد نازل شده است.

گفتم: نه، پدر و مادرم فدای تو باد.

فرمود: درباره انتظار بردن (اول وقت) نماز است پس از نماز (دیگر).

ای ابوذر! وضو را به طور کامل ساختن در ناگواری ها (مانند سردی هوا) از کفارات گناهان است و بسیار به مسجدها رفتن، همین ها رباط است (که در آیه ای که گفته شده به آن امر شده است).

۱۰۰

يَا أَبَا ذَرٍّ! يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِنَّ أَحَبَّ الْعِبَادِ إِلَيَّ الْمُتَحَابُّونَ بِحَلَالِي (۱۳) (مَنْ أَجَلِي) الْمُتَعَلِّقَهُ قُلُوبُهُمْ بِالْمَسَاجِدِ وَ الْمُشْتَغَفِرُونَ بِالشَّحَارِ أُولَئِكَ إِذَا أَرَدْتُ بِأَهْلِ الْأَرْضِ عِقُوبَهُ ذَكَرْتُهُمْ فَصَرَفْتُ الْعُقُوبَةَ عَنْهُمْ.

ای ابوذر! خدای بزرگ و بلند مرتبه می فرماید: محبوب ترین بندگان پیش من کسانی هستند که (با حلال من) یا از جهت من (به خاطر من) با یکدیگر محبت و دوستی می نمایند و دل های آنان با مساجد پیوند دارد و در سحرگاهان به استغفار می پردازند، آنان کسانی هستند که اگر بخواهم به اهل زمین عقوبتی متوجه سازم به خاطر آنان عقوبت را از ایشان باز می دارم.

۱۰۱

يَا أَبَا ذَرٍّ! كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعَوٍّ إِلَّا ثَلَاثَةً: قَرَأَهُ مُصَلِّ، أَوْ ذَكَرَ اللَّهَ، أَوْ سَأَلَ عَنْ عِلْمٍ.

ای ابوذر! هرگونه نشستن در مسجد لغو و بی فایده است؛ مگر در سه حال: یا در حال نماز مشغول قرائت قرآن باشد، یا به یاد خدا ذکر بگوید، یا به آموختن دانش (دین) اشتغال ورزد و بپرسد.

يَا أَبَا ذَرٍّ! كُنْ بِالْعَمَلِ بِالتَّقْوَى أَشَدَّ إِهْتِمَامًا مِنْكَ بِالْعَمَلِ فَإِنَّهُ لَا يَقِلُّ عَمَلٌ بِالتَّقْوَى وَكَيْفَ يَقِلُّ عَمَلٌ يَتَقَبَّلُ؟! يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ».

ای ابوذر! برای مقرون گشتن عمل به تقوی، بیشتر از اصل آن عمل اهتمام کن؛ زیرا عمل با تقوی کم نیست، چگونه عملی که مورد قبول درگاه خدا باشد کم شمرده می شود! خدای عزوجل می فرماید: «عمل را پروردگار از پرهیزکاران فقط، می پذیرد.»

يَا أَبَا ذَرٍّ! لَا يَكُونُ الرَّجُلُ مِنَ الْمُتَّقِينَ حَتَّى يَحَاسِبَ نَفْسَهُ أَشَدَّ مِنْ مُحَاسَبَةِ الشَّرِيكِ شَرِيكِهِ، فَيَعْلَمَ مِنْ آيِنَ مَطْعَمُهُ وَ مِنْ آيِنَ مَشْرَبُهُ وَ مِنْ آيِنَ مَلْبَسُهُ أَمِنْ حِلٍّ ذَلِكُمْ أَمْ مِنْ حَرَامٍ؟ يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ لَمْ يَبَالِ مِنْ آيِنِ اكْتَسَبَ الْمَالَ لَمْ يَبَالِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ آيِنِ ادْخَلَهُ النَّارَ.

ای ابوذر! مرد از پرهیزکاران به شمار نمی آید تا خود را، سخت تر از محاسبه شخص درباره شریک خود مورد محاسبه قرار دهد. پس باید بداند خوراکش و آنچه می نوشد و آنچه می پوشد از چه راهی تهیه شده است، از حلال است یا از حرام.

ای ابوذر! هر آن کس که ملاحظه نمی کند که کسب مال او از کجاست (و از حرام پروا نداشته باشد)، خدا نیز درباره وی ملاحظه نمی نماید که از کجا او را به آتش وارد سازد.

يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ.

ای ابوذر! هر کس دوست می دارد گرامی ترین مردم (در نزد خدا) باشد پس باید از خدای عزوجل بترسد. (و تقوای او را رعایت کند).

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ أَكْثَرُكُمْ ذِكْرًا لَهُ، وَأَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتِّقَاكُمْ لَهُ وَ أَنْجَاكُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَشَدُّكُمْ لَهُ خَوْفًا.

ای ابوذر! محبوب ترین شما پیش خدای جل ثنائه کسی است که بیشتر به یاد او باشد و عزیز و گرامی ترین شما پیش خدا پرهیزکارترین شماست برای او، و نجات یابنده ترین شما از عذاب خدا کسی است که بیشتر از او بترسد.

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ الْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يَتَّقُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ مِنَ الشَّيْءِ الَّذِي لَا يَتَّقِي مِنْهُ، خَوْفًا مِنَ الدُّخُولِ فِي الشُّبْهَةِ.

ای ابوذر! پرهیزکاران کسانی هستند که از چیزی که از آن پرهیز لازم نیست (و حلال است) اجتناب می کنند، از ترس آن که مبدا در شبهه داخل شوند.

۱۰۷

يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ ذَكَرَ اللَّهَ وَإِنْ قَلَّتْ صَلَاتُهُ وَصِيَامُهُ وَتِلَاوَتُهُ لِلْقُرْآنِ.

ای ابوذر! هر کس که در اطاعت خدای عزوجل باشد ذکر خدا کرده (حقیقتاً خدا را یاد کرده است) گرچه نماز و روز (مستحبی) اش اندک باشد و کمتر قرآن بخواند.

۱۰۸

يَا أَبَا ذَرٍّ! أَصْلُ الدِّينِ الْوَرَعُ وَرَأْسُهُ الطَّاعَةُ.

ای ابوذر! ریشه دین پرهیزکاری از حرام و گناه است و سر دین طاعت خداست.

۱۰۹

يَا أَبَا ذَرٍّ! كُنْ وَرِعًا تَكُنْ أَعْبَدَ النَّاسِ وَخَيْرَ دِينِكُمُ الْوَرَعُ.

ای ابوذر! پرهیزکار و با ورع باش تا عابدترین مردم باشی و بهترین بخش دین شما پرهیزکاری و با ورع بودن است.

۱۱۰

يَا أَبَا ذَرٍّ! فَضْلُ الْعِلْمِ خَيْرٌ مِنْ فَضْلِ الْعِبَادَةِ وَاعْلَمْ أَنَّكُمْ لَوْ صَلَّيْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْحَنَائِيا وَصِيَمْتُمْ حَتَّى تَكُونُوا كَالْأَوْتَارِ مَا يَنْفَعُكُمْ ذَلِكَ إِلَّا بِوَرَعٍ.

ای ابوذر! فضیلت علم از فضیلت عبادت بهتر است و بدان که شماها اگر آن قدر به نماز بایستید که مانند کمان خمیده شوید و آن قدر روزه بگیرید که مانند زه کمان لاغر شوید به شما سودی نمی رسد جز با پرهیزکاری و ورع.

۱۱۱

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ أَهْلَ الْوَرَعِ وَ الزُّهْدِ فِي الدُّنْيَا هُمُ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ حَقًّا.

ای ابوذر! آنان که اهل پرهیزکاری (ورع) و زهد در دنیا هستند حقاً اولیاء خدا هستند.

۱۱۲

يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ لَمْ يَأْتِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِثَلَاثٍ فَقَدْ خَسِرَ.

قُلْتُ: وَمَا الثَّلَاثُ؟ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي.

قال: وَرِعٌ يَحْجُزُهُ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ وَ حِلْمٌ يَرُدُّ بِهِ جَهْلَ الشَّفَهَاءِ وَ خُلُقٌ يَدَارِي بِهِ النَّاسَ.

ای ابوذر! هرکس در روز قیامت سه چیز همراه نداشته باشد زیانکار است.

گفتم: پدر و مادرم فدای تو باد، آن سه چیز چیست؟

فرمود: ورعی که او را از محرمات خدای عزوجل باز دارد، و حلم (بردباری) که به آن با نادانی (بی خردان) سفیهان مقابله نماید، و خلق (نیکو) که با آن با مردم مدارا نماید.

۱۱۳

يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ أَكْرَمَ النَّاسِ فَاتَّقِ اللَّهَ وَ إِنْ سَرَّكَ أَنْ تَكُونَ أَغْنَى النَّاسِ فَكُنْ بِمَا فِي يَدِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَوْتَقَ مِنْكَ بِمَا فِي يَدَيْكَ.

ای ابوذر! اگر خواهی نیرومندترین مردم باشی پس بر خدا توکل کن و اگر می خواهی (در نزد خدا) عزیزترین مردم باشی پس از خدا بترس و از نافرمانی اش بپرهیز و اگر می خواهی بی نیازترین مردم باشی پس به آنچه پیش خدای عزوجل است مطمئن تر باش نسبت به آنچه در دو دست خودت می باشد.

۱۱۴

يَا أَبَا ذَرٍّ! لَوْ أَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ أَخَذُوا بِهَذِهِ الْآيَةِ لَكَفَتْهُمْ: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا». (۱۴)

ای ابوذر! اگر تمام مردم به این آیه رفتار و عمل می کردند همه را کفایت می کرد: «و من يتق الله يجعل له مخرجا و يرزقه من حيث لا يحتسب و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شئ قدرا». (۱۴)

ای ابوذر! اگر تمام مردم به این آیه رفتار و عمل می کردند همه را کفایت می کرد: «و من يتق الله يجعل له مخرجا و يرزقه من حيث لا يحتسب و من يتوكل على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شئ قدرا». (۱۴)

روزی می بخشد و هرکس بر خدا توکل کند (و عاقبت کارهای خود را به او واگذار کند) از جهت کفایت مهمات او را بس خواهد بود، به درستی که خدا امر خود را به وجه کامل به انجام می رساند، محققاً خدا برای هر چیز (بر طبق مصلحت) اندازه و قدری معین فرموده است.»

۱۱۵

يَا أَبَا ذَرٍّ! يَقُولُ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ: وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي لَا يُؤْتِرُ عِبْدِي هَوَاهُ عَلَى هَوَاهُ إِلَّا جَعَلْتُ غِنَاهُ فِي نَفْسِهِ وَ هُمُومَهُ فِي آخِرَتِهِ وَ ضَمَّنْتُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ رِزْقَهُ وَ كَفَفْتُ عَلَيْهِ ضَيْعَتَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَرَاءِ تِجَارِهِ كُلِّ تَاجِرٍ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی می فرماید: به عزت و جلالم سوگند، بنده من خواسته مرا به خواسته خود مقدم نمی دارد

مگر این که من او را در مکنون جانش بی نیاز می سازم (بی نیازی اش را در باطنش قرار می دهم) و چنان می کنم که اندیشه
ها و هم او مصروف امور اخروی او گردد و آسمان ها و زمین را ضامن روزی او می گردانم و درآمد و حرفه او را نگهداری
می کنم و من برای او خواهم بود فراتر و برتر از

يا أَبَاذَرٍّ! لَوْ أَنَّ ابْنَ آدَمَ فَرَّ مِنْ رِزْقِهِ كَمَا يَفِرُّ مِنَ الْمَوْتِ لَأَذْرَكَهُ رِزْقُهُ كَمَا يَذْرُكُهُ الْمَوْتُ.

ای ابوذر! اگر فرزند آدم از روزی خود بگریزد، همان طوری که از مرگ می گریزد، روزی او به وی خواهد رسید چنان که مرگ او را در می یابد.

يا أَبَاذَرٍّ! أَلَا أُعَلِّمُكَ كَلِمَاتٍ يَنْفَعُكَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِنَّ؟

قُلْتُ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

قَالَ: إِحْفَظِ اللَّهَ يَحْفَظْكَ، إِحْفَظِ اللَّهَ تَجِدْهُ أَمَامَكَ، تَعْرِفْ إِلَى اللَّهِ فِي الرَّخَاءِ يَعْرِفَكَ فِي الشَّدَّةِ وَإِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ وَإِذَا اسْتَيْعَنْتَ فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ، فَقَدْ جَرَى الْقَلَمُ بِمَا هُوَ كَائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، فَلَوْ أَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ جَاهِدُوا أَنْ يَنْفَعُوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَكْتَبْ لَكَ، مَا قَدَرُوا عَلَيْهِ وَ لَوْ جَاهِدُوا أَنْ يَضُرُّوكَ بِشَيْءٍ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ عَلَيْكَ، مَا قَدَرُوا عَلَيْهِ، فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَعْمَلَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِالرِّضَا وَالْيَقِينِ فَافْعَلْ وَإِنْ لَمْ تَسْتَطِعْ فَاصْبِرْ فَإِنَّ فِي الصَّبْرِ عَلَى مَا تَكَرَّرَ خَيْرًا كَثِيرًا وَإِنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ وَالْفَرَجَ مَعَ الْكَرْبِ وَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا.

ای ابوذر! آیا نیاموزم به تو سخنانی که خدای عزوجل تو را بدان سود بخشد؟

عرض کردم: بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله.

فرمود: (حرمت) خدا را (در زندگی) نگهدار تا تو را حفظ کرده، (حرمت و عظمت) خدا را نگهدار تا او را پیش روی خود یابی، خوشتن را در حال فراخی با خدا آشنا ساز تا تو را در حال تنگدستی و شدت بشناسد، هرگاه خواستی سؤال کنی، پس از خدای عزوجل سؤال بکن و هرگاه خواستی از کسی یاری جویی از خدا یاری جوی، پس به تحقیق که قلم بر آنچه تا روز قیامت خواهد شد

جاری شده است، در نتیجه اگر تمام مردم بکوشند که سودی به تو برسانند که بر تو نوشته نشده است بر آن توانا نخواهند بود و همین طور اگر تمام مردم بکوشند که ضرری به تو برسانند که خدا بر تو ننوشته است بر آن توانا نخواهند بود، پس اگر توانستی که برای خدا کاری با رضا و یقین بکنی، بکن و اگر نتوانی پس صبر داشته باش؛ زیرا که بر صبر و شکیبایی در تحمل آنچه از آن کراهت داری خیر فراوان مترتب است و همانا پیروزی توأم با شکیبایی است و فرج و گشایش توأم با غم و اندوه است و به درستی که با هر دشواری ای آسانی توأم است.

۱۱۸

يَا أَبَاذَرٍّ! اسْتَغْنِ بِغَنَى اللَّهِ يَغْنِكَ اللَّهُ.

فَقُلْتُ: وَمَا هُوَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: غَدَاءُ يَوْمٍ وَعِشَاءُ لَيْلَةٍ، فَمَنْ قَنَعَ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ فَهُوَ أَغْنَى النَّاسِ.

ای ابوذر! خود را به آنچه خدا تو را به آن غنی ساخته غنی دان (و خودت را محتاج دیگران مگردان) تا خدا تو را بی نیاز گرداند.

گفتم: چیست آن یا رسول الله صلی الله علیه و آله؟

فرمود: غذای صبحانه یک روز و شام یک شب، پس هر کس به آنچه خدا به او روزی عطا فرموده قناعت ورزد (راضی باشد و اظهار احتیاج نزد مردم نکند) او غنی ترین مردم است.

۱۱۹

يَا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: إِنِّي لَسْتُ كَلَامِ الْحَكِيمِ أَتَقَبَّلُ، وَلَكِنْ هَمُّهُ وَهَوَاهُ، فَإِنْ كَانَ هَمُّهُ وَهَوَاهُ فِيمَا أُحِبُّ وَارْضَى جَعَلْتُ صُؤْمَتَهُ حَمْدًا لِي وَذِكْرًا (وَوَقَارًا) وَإِنْ لَمْ يَتَكَلَّمْ.

ای ابوذر! خدای عزوجل می فرماید: سخن دانشمند حکیم را که بر زبان می راند (و در دلش غیر آن است) نمی پذیرم بلکه آن را می پذیرم که در دل دارد و آن مقصود و هدف اوست، اگر اراده و قصد او مصروف آنچه می خواهم و بدان رضایت دارم گردد، سکوت او را ستایش خود و ذکر (و وقار) گردانیده و به جای حمد و ثنا می پذیرم اگر چه سخن نگوید.

۱۲۰

يَا أَبَاذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَلَا إِلَى أَمْوَالِكُمْ وَ (أَقْوَالِكُمْ) وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَ أَعْمَالِكُمْ.

يَا أَبَاذَرٍّ! التَّقْوَى هُنَا، التَّقْوَى هُنَا وَ أَشَارَ إِلَى صَدْرِهِ.

ای ابوذر! خدای تبارک و تعالی به چهره های شما یا به دارایی شما (و گفته های شما) نمی نگرد، بلکه به دل ها و اعمال شما می نگرد، آن گاه اشاره به سینه خویش کرده و فرمود: ای ابوذر! تقوا اینجا است، تقوا اینجا جایگزین می گردد.

۱۲۱

يَا أَبَا ذَرٍّ! أَرْبَعٌ لَا يَصِيبُهُنَّ إِلَّا مُؤْمِنٌ الصَّمْتُ وَ هُوَ أَوَّلُ الْعِبَادَةِ وَ التَّوَضُّعُ لِلَّهِ سُبْحَانَهُ وَ ذِكْرُ اللَّهِ تَعَالَى عَلَي فِي كُلِّ حَالٍ وَ قِلَّةُ الشَّيْءِ يَغْنَى قِلَّةَ الْمَالِ.

ای ابوذر! چهار چیز است که کسی جز انسان با ایمان به آن ها نمی رسد:

۱ - سکوت (با معنا) و آن اول (درجه) عبادت و بندگی است.

۲ - تواضع (برای یا) به خاطر خداوند سبحان.

۳ - یاد خداوند متعال کردن در همه حالات.

۴ - و کم چیزی یعنی کمی مال. (زیرا شخص با ایمان نه تنها از مال حرام باید اجتناب کند و می کند بلکه از مال و چیز مشتبّه به حرام هم احتیاط و اجتناب می نماید و لذا غالباً کم مال است.)

۱۲۲

يَا أَبَا ذَرٍّ! هُمْ بِالْحَسَنَةِ وَ إِنْ لَمْ تَعْمَلْهَا لِكَيْلَا تُكْتَبَ مِنَ الْغَافِلِينَ.

ای ابوذر! قصد کار نیک کن اگر چه انجام ندهی (یا نتوانی) تا از غافلان شمرده نگردی.

۱۲۳

يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ مَلَكَ مَا بَيْنَ فَيْحَيْهِ وَ مَا بَيْنَ لَحْيَيْهِ دَخَلَ الْجَنَّةَ. قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّا لَنُؤَاخِذُ بِمَا تَنْطِقُ بِهِ أَلْسِنَتُنَا؟ قَالَ: يَا أَبَا ذَرٍّ! وَ هَلْ يَكُوبُ النَّاسَ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ فِي النَّارِ إِلَّا حَصَائِدُ أَلْسِنَتِهِمْ؟ إِنَّكَ لَا تَزَالُ سَالِمًا مَا سَكَتَ فَإِنْ تَكَلَّمْتَ كُتِبَ لَكَ أَوْ عَلَيْكَ.

ای ابوذر! هر کس ما بین دو ران خود (یعنی عورت) و ما بین دو فک خود (یعنی دهان و زبان را از گناه) حفظ کند داخل بهشت گردد.

گفتم: یا رسول الله ما بر آنچه با زبانمان می گوئیم آیا حتماً مورد مؤاخذه قرار می گیریم.

فرمود: ای ابوذر آیا مردم را به روی در آتش جهنم می افکند جز نتایج زبان های ایشان؟ تو مادامی که ساکت هستی سالمی و

تالِب، به سخن گشودی به سود یا زیان تو نوشته می شود.

۱۲۴

يَا أَبَاذَرٍّ! الرَّجُلُ يَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ فِي الْمَجْلِسِ لِيُضْحِكَهُمْ بِهَا فَيَهْوَى فِي جَهَنَّمَ مَا بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ.

يَا أَبَاذَرٍّ! وَيْلٌ لِلَّذِي يَحْدِثُ وَيَكْذِبُ لِيُضْحِكَ بِهِ الْقَوْمَ وَيْلٌ لَهُ وَيْلٌ لَهُ وَيْلٌ لَهُ.

ای ابوذر! مردی در انجمنی سخنی می گوید تا حاضران را به سبب آن سخن بخنداند، پس به قدر فاصله زمین تا آسمان در آتش جهنم فرو می افتد.

ای ابوذر! وای بر کسی که سخن دروغ می گوید تا مردم را بخنداند وای بر او باد، وای بر او باد، وای بر او باد.

۱۲۵

يَا أَبَاذَرٍّ! مَنْ صَمَتَ نَجَى فَعَلَيْكَ بِالصِّدْقِ وَلَا تَخْرُجَنَّ مِنْ فَيْكَ كَذِبُهُ أَبَدًا.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ فَمَا تَوْبُهُ الرَّجُلِ الَّذِي يَكْذِبُ مُتَعَمِّدًا؟

فَقَالَ: الْإِسْتِغْفَارُ وَالصَّلَاةُ الْخَمْسُ تَغْسِلُ ذَلِكَ.

ای ابوذر! هرکس سکوت کند نجات می یابد، پس بر تو باد به راستگویی و البته باید هرگز سخن دروغ از دهان تو بیرون نیاید.

گفتم: یا رسول الله پس توبه کسی که عمدتاً دروغ گوید چیست؟

فرمود: طلب آمرزش کردن (از خدا) و نمازهای پنجگانه (اثر بدی) آن را می شوید.

۱۲۶

يَا أَبَاذَرٍّ! إِيَّاكَ وَالْغَيْبَةَ فَإِنَّ الْغَيْبَةَ أَشَدُّ مِنَ الزَّانَا.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَلِمَ ذَلِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَ أُمِّي؟

قَالَ: لِأَنَّ الرَّجُلَ يَزْنِي وَيَتُوبُ إِلَى اللَّهِ فَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ وَالْغَيْبَةُ لَا تُغْفَرُ حَتَّى يَغْفِرَهَا صَاحِبُهَا.

ای ابوذر! خویشتن را از غیبت دور ساز زیرا (گناه) غیبت کردن از (گناه) زنا سخت تر است.

گفتم: یا رسول الله! پدر و مادرم فدای تو باد، به چه علت؟

فرمود: زیرا شخص، زنا کرده و سپس توبه می کند پیش خدا پس خدا توبه اش را می پذیرد (از او در می گذرد) ولی غیبت کننده آمرزیده نمی شود مگر آن کسی را که غیبت کرده، بر او بیخشد و از او درگذرد.

۱۲۷

يَا أَبَاذَرٍّ! سَبَابُ الْمُؤْمِنِ فُسُوقٌ وَقِتَالُهُ كُفْرٌ وَ أَكْلُ لَحْمِهِ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ وَ حُرْمَةُ مَالِهِ كَحُرْمَةِ دَمِهِ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْغَيْبَةُ؟

قَالَ: ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ.

قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَإِنْ كَانَ فِيهِ ذَاكَ الَّذِي يَذْكُرُ بِهِ؟

قَالَ: إِعْلَمُ أَنَّكَ إِذَا ذَكَرْتَهُ بِمَا هُوَ فِيهِ فَقَدْ اعْتَبْتَهُ وَ إِذَا ذَكَرْتَهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ فَقَدْ بَهَّتَهُ.

ای ابوذر! ناسزا گفتن به مؤمن فسق است و مقاتله با او کفر است و خوردن گوشت او (به غیبت) از معصیت های خدا است و احترام مال او مانند احترام خون اوست.

گفتم: یا رسول الله! غیبت چیست؟ فرمود: (غیبت آن است) که درباره برادر دینی ات سخنی بگویی که از آن بدش می آید.

گفتم: یا رسول الله! حتی اگر آنچه درباره او گفته می شود در او موجود باشد؟

فرمود: بدان که اگر آنچه را که در او هست بگویی غیبت او را کرده ای، و اگر آنچه را که در او نیست بدو نسبت دهی بر او بهتان زده ای. (و تهمت روا داشته ای).

۱۲۸

يَا أَبَاذَرٍّ! مَنْ ذَبَّ عَنْ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ (الْمُؤْمِنِ) الْغَيْبَةَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَغْتَقَهُ مِنَ النَّارِ.

ای ابوذر! هرکس از غیبت برادر مسلمان (مؤمن) خود جلوگیری نماید بر خدای عزوجل است که او را از آتش جهنم آزاد سازد.

۱۲۹

يَا أَبَاذَرٍّ! مَنْ اغْتَيْبَ عِنْدَهُ أَخُوهُ الْمُسْلِمِ وَ هُوَ يَشِي تَطِيعُ نَصْرَهُ فَنَصْرُهُ، نَصْرُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، فَإِنْ خَدَلَهُ وَ هُوَ يَشْتَطِيعُ نَصْرَهُ خَدَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ.

ای ابوذر! هرکس که پیش او از برادر مسلمانش غیبت شود و او توانایی یاری او را داشته و به او یاری کند خداوند عزوجل او

را در دنیا و آخرت یاری کند ولی اگر از یاری او خودداری نماید با این که بر آن توانا باشد خدا در دنیا و آخرت یاری خود را از او بازدارد.

۱۳۰

يا أَبَاذَرٍّ! لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ قَتَاتٌ.

قُلْتُ: وَمَا الْقَتَاتُ؟

قَالَ: النَّمَامُ يَا أَبَاذَرٍّ! صَاحِبُ النَّمِيمَةِ لَا يَسْتَرِيحُ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي الْآخِرَةِ.

ای ابوذر! قنات داخل بهشت نگردد.

پرسیدم: قنات کیست؟

فرمود: قنات کسی است که سخن چینی می نماید. ای ابوذر! سخن چین در آخرت از عذاب خدای عزوجل راحت نشود.

۱۳۱

يا أَبَاذَرٍّ! مَنْ كَانَ ذَا وَجْهَيْنِ وَ لِسَانَيْنِ فِي الدُّنْيَا فَهُوَ ذُو لِسَانَيْنِ فِي النَّارِ.

ای ابوذر! هر که در دنیا دوروی و دو زبان باشد پس او در آتش جهنم (دو روی و) دو زبان خواهد بود.

۱۳۲

يا أَبَاذَرٍّ! الْمَجَالِسُ بِالْأَمَانَةِ وَ إِفْشَاءُ سِرِّ أَخِيكَ خِيَانَةٌ، فَاجْتَنِبْ ذَلِكَ وَ اجْتَنِبْ مَجْلِسَ الْعَشِيرَةِ. (۱۵)

ای ابوذر! مجالس به امانت است و فاش کردن سرّ برادر مؤمنت خیانت است پس از آن اجتناب و از مجلس عشیره نیز دوری کن. (اجتناب نما).

۱۳۳

يا أَبَاذَرٍّ! تُعْرَضُ أَعْمَالُ أَهْلِ الدُّنْيَا عَلَى اللَّهِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ فِي يَوْمَيْنِ الْاِثْنَيْنِ وَ الْخَمِيسِ فَيَغْفِرُ لِكُلِّ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ إِلَّا عَبْدًا كَانَتْ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ أَخِيهِ شَحْنَاءٌ فَيَقَالُ أَتْرَكُوا عَمَلَ هَذَيْنِ حَتَّى يَضْطَلِحَا.

ای ابوذر! اعمال اهل دنیا از جمعه تا جمعه دیگر در (هر هفته) دو روز دوشنبه و پنجشنبه بر خدا عرضه می شود، (۱۶) پس هر بنده مؤمنی را می آرمزد مگر بنده ای که میان او و برادرش عداوت و کینه باشد پس (درباره این دو) گفته می شود عمل این دو را به حال خود واگذارید تا وقتی که با هم سازش نمایند (صلح کنند).

يا أَبَاذَرٍّ! إِيَّاكَ وَهَجْرَانَ أَخِيكَ فَإِنَّ الْعَمَلَ لَا يَتَقَبَّلُ مَعَ الْهَجْرَانِ.

يا أَبَاذَرٍّ! أَنَهَاكَ عَنِ الْهَجْرَانِ وَ إِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَلَا تَهْجُرْهُ (فَوْقَ) (۱۷) ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ كَمَلًا، فَمَنْ مَاتَ فِيهَا مُهَاجِرًا لِأَخِيهِ كَانَتْ النَّارُ أَوْلَىٰ بِهِ.

ای ابوذر! از متارکه (وقهر) با برادرت اجتناب کن زیرا که عمل (خیر) با قهر و متارکه به درجه قبولی نمی رسد.

ای ابوذر! تو را از متارکه (دوری کردن) نهی می کنم، و اگر ناچار شدی از متارکه، سه روز تمام با برادرت متارکه نکن، پس کسی که در حال هجران با برادر خود بمیرد آتش به او سزاوارتر است. (ظاهراً مقصود از این هجران قهر و دوری و کناره گیری از روی خشم و غضب بر برادر مؤمن است).

يا أَبَاذَرٍّ! مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَثَلَ لَهُ الرَّجَالُ قِيَامًا فَلْيَسْبُوْهُ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ.

ای ابوذر! هرکس دوست بدارد مردان در برابرش بایستند پس باید نشیمنگاه خود را در آتش جهنم قرار دهد (و مهیا بداند).

يا أَبَاذَرٍّ! مَنْ مَاتَ وَ فِي قَلْبِهِ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِنْ كِبَرٍ لَمْ يَجِدْ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ قَبْلَ ذَلِكَ.

فَقَالَ رَجُلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنِّي لَيَعْجِبُنِي الْجَمَالُ حَتَّى وَدَدْتُ أَنْ عَلاَقَهُ سَوْطِي وَ قِبَالَ نَعْلِي حَسَنٌ فَهَلْ يَزْهَبُ عَلَيَّ ذَلِكَ؟

قَالَ: كَيْفَ تَجِدُ قَلْبَكَ؟

قَالَ: أَجِدُهُ عَارِفًا لِلْحَقِّ مُطْمَئِنًّا إِلَيْهِ.

قَالَ: لَيْسَ ذَلِكَ بِالْكِبَرِ، وَلَكِنَّ الْكِبَرَ أَنْ تَتْرَكَ الْحَقَّ وَ تَتَجَاوَزَهُ إِلَىٰ غَيْرِهِ وَ تَنْظُرَ إِلَى النَّاسِ وَ لَا تَرَىٰ أَنْ أَحَدًا عَرَضُهُ كَعَرَضِكَ وَ لَا دَمُهُ كَدَمِكَ.

ای ابوذر! هرکس بمیرد و در دل او به قدر سنگینی ذره ای از کبر باشد بوی بهشت را نیابد، مگر آن که پیش از مرگ توبه کند.

مردی گفت: یا رسول الله! من زیبایی را دوست دارم تا آنجا که می خواهم بند تازیانه و بند کفش پایم زیبا باشد، آیا از این (بر من) باید ترسید و دوری کرد؟ (که مبدا کبر باشد).

حضرت فرمود: دل خود را چگونه می یابی؟

گفت: دلم به حق آشنا و بر آن ثابت است.

فرمود: آن کبر نیست ولکن کبر آن است که حق را ترک گویی و از آن تجاوز نمایی به غیر آن و به مردم چنان بنگری که انگار حیثیت (آبروی) کسی مثل آبرو و حیثیت تو نیست و خونس مثل خون تو نیست. (یعنی خود را در هر باب بر مردم برتری دهی، و دیگران را حقیر شماری).

۱۳۷

يا أَبَاذَرٍّ! أَكْثَرُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ الْمُسْتَكْبِرُونَ.

فَقَالَ رَجُلٌ: وَ هَلْ يَنْجُو مِنَ الْكِبْرِ أَحَدٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قَالَ: نَعَمْ، مَنْ لَبَسَ الصُّوفَ وَ رَكِبَ الْحِمَارَ وَ حَلَبَ الْعُنْزَ وَ جَالَسَ الْمَسَاكِينَ.

يا أَبَاذَرٍّ! مَنْ حَمَلَ بِضَاعَتَهُ فَقَدْ بَرِيَءَ مِنَ الْكِبْرِ يَعْنِي مَا يَشْتَرِي مِنَ السُّوقِ.

ای ابوذر! بیشتر کسانی که به آتش

داخل می شوند مردمان متکبر هستند.

مردی گفت یا رسول الله! آیا کسی از تکبر (خود بزرگ بینی) نجات می یابد؟

فرمود: آری، کسی که لباس پشمینه بپوشد و سوار الاغ شود و بز را بدوشد (۱۸) و با فقرا همنشینی کند.

ای ابوذر! هرکس آنچه را که از بازار خریده است به دست خویش به خانه برد از کبر، دور و بری گشته است.

۱۳۸

يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ جَرَّ ثَوْبَهُ خِيَلَاءَ لَمْ يَنْظُرِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

يَا أَبَا ذَرٍّ! أَرْزَهُ الْمُؤْمِنُ إِلَى أَنْصَافِ سَاقِيهِ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ كَعْبِيهِ.

ای ابوذر! هرکس لباس خود را از روی تکبر بر زمین بکشد روز قیامت خداوند عزوجل بر وی نظر رحمت ننماید.

ای ابوذر! مرد مؤمن شلوار و لباس پایین (پایین لباسش) تا نصف های ساق های پایش می باشد (یعنی از حیث تواضع بهتر است) و بدی و عیبی بر او نیست در آنچه (پایین لباس) ما بین ساق و بین قوزه های پایش باشد. (یعنی پایین تر و بلندتر از قوزه نباشد).

۱۳۹

يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ رَفَعَ ذَيْلَهُ وَ خَصَفَ نَعْلَهُ وَ عَفَّرَ وَجْهَهُ فَقَدْ بَرَىءَ مِنَ الْكِبْرِ.

ای ابوذر! هرکس دامن خود را کوتاه نماید (یعنی تا حدود ساق و قوزه پا) و کفش خود را وصله زند و (پیشانی) صورت خود را (در سجده برای خدا) بر خاک بمالد از کبر دور (و بری) می گردد.

۱۴۰

يَا أَبَا ذَرٍّ! مَنْ كَانَ لَهُ قَمِيصَانِ فَلْيَلْبَسْ أَحَدَهُمَا وَ لْيَلْبَسِ الْآخَرَ أَخَاهُ.

ای ابوذر! هرکس دو پیراهن دارد یکی را خودش بپوشد و دیگر را به برادرش (۱۹) بپوشاند.

۱۴۱

يَا أَبَا ذَرٍّ! سَيَكُونُ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي يَوْلَعُونَ فِي النَّعِيمِ وَ يَغْذُونَ بِهِ، هِمَّتُهُمُ الْوَأْنُ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ، وَ يَمْدَحُونَ بِالْقَوْلِ، أُولَئِكَ شَرَّارُ أُمَّتِي.

ای ابوذر! به زودی گروهی از امت من خواهند بود که در میان ناز و نعمت متولّد و با غذاهای لذیذ (و نعمت ها) نشو و نما

کنند، همت آنان خوردنی ها و نوشیدنی های گوناگون است، مردم آنان را مدح و ثنا گویند، آنان اشرار و بدان امت من هستند.

۱۴۲

يَا أَبَاذَرٍّ! مَنْ تَرَكَ لِبْسَ الْجَمَالِ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ تَوَاضَعًا لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ (فَقَدْ) كَسَاهُ حُلَّةَ الْكِرَامَةِ.

ای ابوذر! هرکس (زینت) و پوشیدن لباس زیبا را از روی تواضع برای خداوند عزوجل ترک نماید، در حالی که بر آن توانایی دارد، خداوند تبارک و تعالی بر تن او حله کرامت بپوشاند. (۲۰)

توضیح این که: زیور و زینت و لباس زیبا اگر از حلال باشد و از تکبر و خودنمایی و خودفروشی نباشد مباح و جایز است ولی ترک آن به جهت تواضع و فروتنی برای خدا نیکو و پسندیده است.

۱۴۳

يَا أَبَاذَرٍّ! طُوبَى لِمَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ تَعَالَى فِي غَيْرِ مَنْقَصِهِ وَ أَدَلَّ نَفْسَهُ فِي غَيْرِ مَسِيكِنِهِ وَ أَنْفَقَ مَالًا جَمَعَهُ فِي غَيْرِ مَعْصِيَةٍ (۲۱) وَ رَحِمَ أَهْلَ الدُّلَى وَ الْمَسِيكِينَ وَ خَالَطَ أَهْلَ الْفِقْهِ وَ الْحِكْمَةِ، طُوبَى لِمَنْ صِلَحَتْ سَيْرِيَّتُهُ وَ حَسِنَتْ عَلَانِيَتُهُ وَ عَزَلَتْ عَنِ النَّاسِ شَرَّهُ، طُوبَى لِمَنْ عَمِلَ بِعِلْمِهِ وَ أَنْفَقَ الْفُضْلَ مِنْ مَالِهِ وَ أَمْسَكَ الْفُضْلَ مِنْ قَوْلِهِ.

ای ابوذر! خوشا به حال کسی که بدون این که نقصی (دینی یا دنیوی) داشته باشد برای (رضای) خدای متعال تواضع و فروتنی نماید (نزد مردم) و خویشان را بدون بی مالی و احتیاج، رام و کوچک دارد و مالی را که اندوخته است در غیر معصیت (خدا) صرف نماید و به بیچارگان و محتاجان ترحم نماید، و با اهل فقه (و دانش) و حکمت همنشینی (همگرایی) کند. خوشا به حال کسی که اندرونش صالح و شایسته و آشکار و بیرونش نیکو باشد و شرّ و بدی خود را از مردم باز دارد. و خوشا به حال کسی که علم خویش را به کار بندد، (و به علم خود عمل

کند) و مازاد دارایی خویش را (در راه خدا) انفاق نماید و گفتار (زبان) خویش را از سخن بیجا (و زیاده از نیاز) باز دارد.

۱۴۴

يَا أَبَاذَرٍّ! الْبَسِ الْحَسَنَ مِنَ اللَّبَاسِ وَ الصَّفِيْقَ مِنَ الثِّيَابِ لِثَلَا يَجِدَ الْفَخْرَ فِيكَ مَسْلُكًا.

ای ابوذر! جامه زبر و لباس خشن و پیراهن درشت باف را بر تن کن تا (تکبر و) فخر در تو راه نیابد.

۱۴۵

يَا أَبَاذَرٍّ! يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَلْبَسُونَ الصُّوفَ فِي صَيْفِهِمْ وَ شَتَاتِهِمْ وَ يَرَوْنَ أَنَّ لَهُمُ الْفَضْلَ بِذَلِكَ عَلَى غَيْرِهِمْ، أُولَئِكَ تَلْعَنُهُمُ مَلَائِكَةُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ.

ای ابوذر! گروهی در آخرالزمان پدید آیند که در تابستان شان و زمستان شان لباس پشم می پوشند و گمان می برند که با این لباس پشم پوشی بر دیگران برای آنان (فضلی می باشد و) فزونی یافته اند (ظاهراً مراد فرقه صوفیه هستند) آنها را ملائکه آسمان ها و زمین بر آنان لعنت می کنند.

۱۴۶

يَا أَبَاذَرٍّ! أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَهْلِ الْجَنَّةِ؟

قُلْتُ بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ كُلُّ أَشْعَثِ أَعْبَرِ ذِي طِمْرَيْنِ لَا يُؤْبَهُ بِهِ لَوْ أَقْسَمَ عَلَيَّ اللَّهُ لَأَبْرَهُ.

ای ابوذر! می خواهی تو را به اهل بهشت خبر دهم؟

عرض کردم: بلی یا رسول الله صلی الله علیه و آله.

فرمود: هر ژولیده موی گردآلود که دو جامه کهنه پوشیده باشد و اعتنا و توجهی به او نباشد (یعنی مردم او را خوار و بی مقدار شمارند، مؤمن فقیری که به علت فقر لباس فاخر به تن نداشته و وضع ظاهری اش با انسان های مرفه سازگاری نداشته باشد و بدین علت مردم به او اعتنایی نمی کنند و او هم باکی به عدم اعتنای مردم ندارد پس اهل بهشت است) اگر خدا را سوگند دهد البته خداوند قسم و دعای او را قبول می فرماید و (خواسته او را رد نکند).

خداوند متعال را شکر می نمایم که این بنده ناچیز خود را توفیق کرامت فرمود تا در مورد این حدیث شریف و معتبر در حد امکان از حیث لفظ و معنا تحقیق نمودم و با وقت و دقتی نه چندان کم در تصحیح و تکمیل ترجمه و تطبیق متن با مدارک اولیه کوشش نمودم و با این

حال ادعا ندارم که هیچ خطا و اشتباهی ندارد؛ زیرا که بیش از یک بشر ناقص نیستم.

العبد خیرالله سلیم زاده

فهرست کتاب های انتشارات مسجد مقدس جمکران

حدیث نام کتاب نویسنده/مترجم قیمت ترجمه حدیث عنوان بصری واحد پژوهش ۱۰۰۰

چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله احمد سعیدی ۴۵۰۰

مهدی موعود در کلام پیامبر محمود

احمد سعیدی ۴۰۰۰

اخلاق آثار گناه در زندگی و راه جبران علی اکبر صمدی ۱۵۰۰۰

اخلاق عملی آیت الله مهدوی کنی ۱۳۰۰۰

فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۳۸۰۰۰

تاریخ مسجد مقدس جمکران تاریخچه مسجد مقدس جمکران (فارسی)

واحد تحقیقات ۴۰۰۰

مسجد مقدس جمکران تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی ۱۲۰۰۰

آئینه اسرار حدیث بنای مسجد مقدس جمکران حسین کریمی قمی ۶۰۰۰

پی نوشت ها

(۱) ظاهراً اشاره به آیه ۴۰ سوره هود: «...وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ» و آیه ۱۱۹ و ۱۲۰ سوره شعراء «...ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ» .

(۲) ظاهراً اشاره است به آیه ۵۸ و ۵۹ سوره بقره... و قولوا حطه و آیه ۱۶۱ و ۱۶۲ سوره اعراف.. و قولوا حطه... .

(۳) این شماره در مکارم الاخلاق و بحار الانوار نیست ولی در امالی و در مجموعه ورام با مختصر اختلافی موجود می باشد.

(۴) اشاره است به آیه شریفه ۷۱ و ۷۲ سوره مریم: «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا ثُمَّ نُنْجِي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَ نَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثًا» .

۵) سوره اسراء، آیه ۱۰۷ - ۱۰۹.

۶) در مکارم الاخلاق و بحار (ثم عرضها) آمده است.

۷) فراهم ساختن اسباب و وسایل آسایش خانواده خود و سایر مردم با ایمان در اطاعت خدای متعال از جمله اعمال خدا پسند است که می توان با آن تحصیل رضای الهی نمود.

۸) احتمال اثبت نیز می باشد.

۹) در باب این که چرا قرآن را شعار و دعا را دثار قرار داده است، در کتاب شریف عین الحیات مرحوم مجلسی توضیحی

فرموده است، اگر کسی بخواهد به آنجا مراجعه کند.

۱۰) اشاره به آیه ۲۰ سوره (شوری) می باشد «مَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ يَرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ».

۱۱) مرحوم علامه مجلسی در عین الحیاه در ذیل این کلام فرموده است: مراد از همه مردم در اینجا غالب مردم است، یا مراد از (ناس) در (تری الناس) مردم اهل دنیا است.

۱۲) سوره آل عمران، آیه ۲۰۰ «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا» ای کسانی که ایمان آورده اید. (در برابر مشکلات و هوس های) صبر و استقامت کنید و در برابر دشمنان پایدار باشید و از مرزهای خود مراقبت کنید و از (معصیت و عذاب) خدا بپرهیزید شاید رستگار شوید.

۱۳) لفظ (بحلالی) فقط در مجموعه ورام استو احتمالاً غلط می باشد.

۱۴) سوره طلاق، آیه ۲ و ۳.

۱۵) مرحوم علامه مجلسی برای اجتناب از مجلس عشیره چند معنی ذکر کرده که به نظر می رسد معنای اول مناسب تر باشد چنین است: (اجتناب از مجلس که خویشان با یکدیگر می نشینند و بد مردم را می گویند).

۱۶) عرضه داشتن اعمال به درگاه الهی با احاطه علم خدا بر تمام موجودات منافاتی ندارد.

۱۷) کلمه (فوق) که در بعضی کتاب ها هست احتمالاً زیادی باشد.

۱۸) این دستور به اقتضای زمان پیغمبر و برای آن است که در آن زمان به آن گونه کارها شکسته نفسی حاصل می شد و کبر و تکبر شکسته می شد، ولی در این زمان بعضی آن ها میسر نیست.

۱۹) ظاهراً مراد هنگامی است که برادر مسلمان برهنه باشد و او نیز توانایی آن را نداشته باشد که برای وی لباس خریداری کند در این

صورت خوب است که یکی از لباس های خود را به تن او بپوشاند.

(۲۰) بدیهی است که در شرع مقدس اسلام لباس زیبا پوشیدن مباح است و زینت نیز تحریم نشده. در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ» بگو ای پیغمبر زینت هایی که خدا برای بندگان خود فراهم ساخته تحریم نشده است. بلکه آنچه مذموم است و در این حدیث نیز پیامبر گرامی اسلام از آن نکوهش نموده است که انسان لباس های فاخر بپوشد تا خود را بر دیگران برتری دهد و مردم را به حسرت وا دارد....

(۲۱)

(۲۲) ۱ و ۲. جمله (فی غیر معصیه) ممکن است متعلق به (انفق) یا (جمع) با هر دو باشد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقاتی و ترجمانی

اصفهان

خانه کتاب

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

